ميزان الصرف

تاليف:

سراج الدين عثمان اودى

تسهيل و تنظيم:

ابوالحسين عبدالمجيد مرادزهى خاشى

میزان الصرف

تألیف:

سراج الدّین عثمان اودهی (رح)
متوفای ۷۵۸ ه

منشعب

تألیف:

ملاحمزه بدایونی هندی (رح)

ترتیب و تسهیل:

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

ویرایش و تصحیح جدید

سراج الدین عثمان، اودهی،- ۷۵۸ ق
میزان الصرف / تألیف سراج الدین عثمان اودهی. منشعب / تألیف ملاحمزه بدایونی هند،
تسهیل و ترتیب: ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی.- (ویرایش جدید)-
زاهدان: فاروق اعظم، ۱۳۸٦ . ISBN 964-7381-02-6
د، ۱۴۴ص: جدول.
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا. چاپ پنجم.
.زبان عربی-صرف.الف.بدایدنی هندی.حمزه.منشعب ب.مرادزهی ، عبدالمجید، ۱۳۳۹-،
گردآورنده.ج. د. عنوان: منشعب.
۹م۴س /٦۱۳۱ Pj ۴۹۲/۷۵ ۱۳۸٦
کتابخانه ملی ایران ۱۵۹۰۳ -۸۰م
محل نگهداری:

میزان الصرف و منشعب

تألیف: سراج الدین عثمان اودهی (رح)
ترتیب و تسهیل: ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی
ناشر: انتشارات فاروق اعظم
امور فنی و نظارت چاپ: مؤسسه فرهنگی پژوهشی المرتضی
نوبت چاپ: هشتم
تیراژ: ۵۰۰۰ جلد
چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات
تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۹۰
قیمت: ۲۵۰۰ تومان
شابک: ٦ - ۰۲ -۷۳۸۱- ۹٦۴

مرکز پخش: زاهدان خیابان خیام روبروی مسجد جامع مکی
تلفن: ۲۴۱۸۸۳۸ - ۰۵۴۱

فهرست مطالب



پیشگفتار چاپ دوم

الحمد لله رب العلمین و الصلاة و السلام علی سید الانبیاء و خاتم المرسلین و علی آله و أصحابه أجمعین إلی یوم الیقین.

رسالۀ هذا کتابی است به نام «میزان الصرف» با ضمیمۀ «منشعب» که در حدود شش قرن پیش، در علم صرف نوشته شده و چون برای مبتدیان و نوآموزان بسیار مفید و در سطح فهم آنان می‌باشد، در طول این مدت در تمامی مدارس و حوزه‌های علمیه، تدریس می‌شده و طلاب علوم دینی از آن بهره وافری می‌گرفته‌اند.

در حال حاضر نیز در مدارس عربیه بعنوان اساسی‌ترین کتاب در فن صرف برای نوآموزان در نظر گرفته شده و تدریس می‌شود و جزو برنامه درسی «شورای هماهنگی حوزه‌های علمیه اهل سنت سیستان و بلوچستان» نیز می‌باشد.

در عصر حاضر که برای طلاب و دانش‌آموزان مراحل ابتدایی بهترین روش تدریس، روشی است که همراه با پرسش و تمرین بوده و متن و زبان کتاب نیز ساده باشد.

اینک بنا به پیشنهاد بعضی از بزرگان و دوستان، بر آن شدم تا این رساله را به همان روش درآورم که با فضل خداوند متعال این کار آغاز و انجام پذیرفت.

چاپ اول کتاب در تیراژ پنج هزار جلد به پایان رسید. البته اشکالات چاپی در آن وجود داشت، که در چاپ دوّم ضمن رفع اشکالات، یک بازنگری کاملی در آن صورت گرفت و در قسمت تمرینها اضافاتی نیز بعمل آمد و با حروفچینی جدید اینک تقدیم علاقمندان می‌شود.

چنانچه اساتید محترم، دین واقعی خویش را در تدریس آن و دانش‌آموزان عزیز، مسؤولیت خطیر آموختن و تعلّم صحیح خویش را ادا کنند، پس از خواندن این کتاب، اساس و ریشهٔ صرفی آنان بسیار تقویت خواهد شد و بهره کاملی از علم صرف خواهند برد.

در پایان از اساتید بزگوار و علمای اعلام استدعا می‌شود هرگونه نظر و پیشنهادی را در این باره، متذکر شوند تا به عون الله در چاپهای آینده ملحوظ نظر قرار گیرد.

از همه خوانندگان و استفاده کننده گان التماس دعای خیر و توفیق بیش از پیش را دارم.

و من الله التوفیق و علیه التوکّل و الاعتماد

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

شهریور هزار و سیصد و هفتاد و شش

مشهد ـ وکیل آباد

مقدمه

برای یادگیری هر زبان، نخست یادگرفتن قواعدی لازم است که بتوان با آن قواعد، آن زبان را به خوبی یاد گرفت.

این قواعد را به فارسی: **«دستور زبان»**

و به عربی: **«صَرف و نَحو»**

و به انگلیسی: **«گِرامِر»** گویند.

زبان، جمله، کلمه، حرف

زبان: مجموعه‌ای از **«جملات»** و عبارات یک قوم است که با آن تکلّم می‌کنند.

جمله: مجموعه‌ای از **«کلمات»** است که به یکدیگر نسبت داده شده باشد.

کلمه: مجموعه‌ای از **«حروف»** است که دارای معنی باشد.

بنابراین، یک زبان بدینصورت ترکیب و درست می‌شود:



حروف در زبان عربی

زبان عربی دارای بیست و هشت «حرف و الفبا» می‌باشد. و هر یک از آنها اسمی و رسمی دارد. امّا اسم آنها عبارت است از:

الف و همزه، باء، تاء، ثاء، جیم، حاء، خاء، دال، ذال، راء، زاء، سین، شین، صاد، ضاد، طاء، ظاء، عین، غین، فاء، قاف، کاف، لام، میم، نون، هاء، واو، یاء.

و امّا رسم و شکل آنها عبارتست از:

اء ـ ب ـ ت ـ ث ـ ج ـ ح ـ خ ـ د ـ ذ ـ ر ـ ز ـ س ـ ش ـ ص ـ ض ـ ط ـ ظ ـ ع ـ غ ـ ف ـ ق ـ ک ـ ل ـ م ـ ن ـ ه ـ و ـ ی.

علوم عربیّه

علوم‌عربیّه که به آن «علوم ادبیات‌عرب» نیز می‌گویند، چهارده علم است.

۱ـ علم صَرف ۲ـ علم اِشْتِقاق ۳ـ لُغت ۴ـ نَحْو ۵ـ کِتابَت ٦ـ قِرائَت ۷ـ تَجوِید
۸ـ مَعانی ۹ـ بیان ۱۰ـ بَدیع ۱۱ شِعر ۱۲ـ اِنشاء ۱۳ـ أَمثال ۱۴ـ تاریخ اَدب.

که مهم‌ترین و اساسی ترین این علوم، سه علمِ: **«صَرْف، نَحْو و لُغت»** است، و کسی که با این علوم مخصوصاً «صَرف، نَحو و لُغت» آشنایی داشته باشد، بر زبان عرب مسلّط است و می‌تواند به خوبی از «آیات و روایات» و... بهره‌وری و استفاده کند.

علم صرف

تعریف:

«**صَرْف**» در لغت به معنای «تغییر دادن» است، یعنی یک شیئ را از یک حالت به حالت دیگر تغییر داد. چنانکه می‌گویند:

«**صَرَّفْتُ الشَّیْئَ**» ای «**غَیَّرْتُهْ**»

و در اصطلاح علمای صرف، «علمی است که گفتگو می‌کند از نقل و تغییر یک کلمه به صورتهای گوناگون تا معانی مقصود و دلخواه بدست آید» به عبارتی دیگر:

«علم صرف، علمی است که در آن از صورتها و هیئتهای گوناگون کلمات مفردهٔ موضوعهٔ عربیه، بحث می‌شود و قواعد و اصول ساختن کلمه را به انسان می‌آموزد.»

مانند: «**ضَرَبَ**» (زد) که پس از نقل به صورتهای دیگر، می‌شود: «**یَضْرِبُ**» (می‌زند)، «**ضَارِبُ**» (زننده)، «**مَضْرُوْبُ**» (زده شده)، «**اِضْرِبْ**» (بزن) و غیره.

بنابراین، می‌گویند: کلمهٔ «**ضَرَبَ**» صرف شده است.

فایدهٔ علم صرف:

در هر زبانی بسیاری از کلمه‌ها، از کلمهٔ دیگری گرفته می‌شوند. مثلاً در فارسی کلمه‌های:

«خواندم ـ خواندی ـ خواند ـ بخوان و یا: می‌خوانم ـ می‌خوانی ـ می‌خواند و...» از مادّه «خواندن» گرفته شده‌اند.

در عربی نیز چنین است؛ و علمی که در پرتو آن، این نَقلها و تغییرات انجام می‌گیرد، «علم صرف» نام دارد. بنابراین، باید «علم صرف» را بیاموزیم تا:

۱ـ کلمه‌ها را به خوبی بشناسیم

۲ـ به معانی آنها بخوبی پی ببریم

۳ـ و بتوانیم برای هر معنای دلخواه‌مان، مطابق استعمالات و کاربردهای عرب، کلمات مناسب بسازیم؛ و اینست فایدهٔ علم صرف.

موضوع علم صرف:

موضوع این علم، عبارتست از **«کلمه»** زیرا از آغاز علم صرف تا پایان آن، از صورتها و هیئتهای نوعی و گوناگون «کلمه» بحث می‌شود.

تعریف لفظ و کلمه:

به هر صورت و صدایی که از دهان خارج شده و بر مخارج حروف تکیه داشته باشد، **«لَفْظ»** گویند.

لفظ بر دو گونه است:

۱ـ لَفْظِ مُسْتَعْمَلْ: لفظی است که دارای معنا باشد؛ مانند: **قَلَم، کِتاب،** آب و به اینگونه الفاظ، «کلمه» گویند.

۲ـ لَفْظِ مُهْمَلْ: لفظی است که دارای معنا نباشد، مانند: **مَلَم** در مقابل **قَلَمْ**، **كِتاَبْ** در مقابل کتاب و غیره.

پس، کلمه «لفظ **مُسْتَعْمَلی** است که دارای معنا و مفهوم خاصی باشد».

انواع کلمه:

کلمه بر سه قسم است: اسم، فعل، حرف

۱ـ اسم: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی بوده و در آن، قید زمان موجود نباشد. مانند: **«عِلْم»** (دانستن) ـ **«رَجُل»** (مرْد)

۲ـ فِعْل: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی بوده و قید زمان در آن موجود باشد. مانند: **«ضَرَبَ»** (زد آن مرد در زمان گذشته)

۳ـ حَرْف: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی نیست. مانند: **مِنْ** (از) **عَلیٰ** (بر)؛ بنابر این:

«کلمه» یا معنای مستقلی دارد و یا ندارد؛ اگر نداشته باشد، **«حرف»** است و اگر داشته باشد، یا همراه با قید زمان است **«فعل»** و اگر قید زمان ندارد، **«اسم»** می‌باشد.

و چون **«حَرْف»** تصْرِیْف نمی‌شود، از موضوع صرف خارج است و **«اسم»** هم برای اینکه بسیار کم صَرْف می‌شود، آن را نادیده می‌گیرند.

پس در حقیقت، «کلمهٔ فعل» موضوع اصلی علم صرف قرار می‌گیرد.

واضع و مدوّن علم صرف:

زمانی که علم نحو توسط "ابوالاسود دئلی" (از شاگردان و ارادتمندان حضرت علی کرّم الله وجهه) نظم یافت، «علم صرف» بعنوان شاخه‌ای از آن شناخته می‌شد. ولی بعداً "معاذبن مسلم فرّاء" شاگرد «ابوالاسود دئلی» (متوفای سال ۱۸۷ ه ق) علم صرف را بطور مستقل پی‌ریزی نمود. بعد از وی "ابوالحسن علی کسائی" (متوفای سال ۱۸۹ هق) معروف به علامه کسائی آن را تکمیل کرد و نظم و ترتیب خاصی به آن داد.

مؤلّف «میزان الصرف»:

همانطور که این‌کتاب از شهرت و امتیاز خاصی برخوردار است، به همان نسبت، مؤلّف آن، مجهول الحال و ناشناخته است. و نظریه‌های مختلفی دربارهٔ مؤلّف آن اظهار شده ولی قول راجح که اکثر علما و مورخان آن را تائید نموده‌اند، اینست که مؤلّف آن: "شیخ سراج الدین عثمان اودی رح" (متوفای سال ۷۵۸ هجری قمری) از دانشمندان و عارفان قرن هشتم هند می‌باشد.

کتابهای "الهدایه فی النحو" و "پنج گنج" در صرف از آثار همین مؤلّف مرحوم هستند.

پرسش و تمرین

۱ـ قواعد زبان را به فارسی چه می‌گونید؟
۲ـ قواعد زبان را به عربی چه می‌گویند؟
۳ـ از مجموعه حروف چه بدست می‌آید؟
۴ـ از مجموعه کلمات چه بدست می‌آید؟
۵ـ از مجموعه جمله‌ها و عبارات چه بدست می‌آید؟
۶ـ حروف و الفبای عربی چند تا است؟
۷ـ حروف را به ترتیب نوشته و حفظ نمائید.
۸ـ علوم عربیّه چند تاست؟ و مهمترین آنها کدامند؟
۹ـ علم صرف را تعریف کنید.
۱۰ـ فایدهٔ علم صرف را بیان نمائید.
۱۱ـ موضوع آن را بگوئید.
۱۲ـ انواع لفظ را بنویسید.
۱۳ـ کلمه را تعریف نموده انواع آن را با مثال بیان نمائید.
۱۴ـ وضع‌کنندگان و ترتیب دهندگان علم صرف را بنویسید.
۱۵ـ مؤلّف میزان الصرف کیست؟

بنام خداوندی که یکی از بهترین نعمتهایش «زبان و کلام» را به انسان بخشید و به واسطهٔ آن، نوع بشر را امتیازی بزرگ عنایت فرمود.

و با درود و سلام بر روان پاک بهترین انسانها و خاتم پیامبران، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ و بر آل و اصحاب وی مِنَ الآن الی یومِ الیقین.

امّا بعد!

درس اوّل

تعریف فعل

فعل به کلمه‌ای گفته می‌شود که دلالت کند برکردن یا شدن کاری در یکی از زمان‌های سه گانه (ماضی، حال، استقبال) مانند: «**كَتَبَ**» (نوشت) «**يَكْتُبُ**» (می‌نویسد) «**أُكْتُبْ**» (بنویس)

انواع فعل مُتَصَرِّفْ به اعتبار زمان[1]

فعل به اعتبار زمان بر سه قسم است: «ماضی»، «حال»، «مستقبل».

۱ـ فعل ماضی آنست که بر زمان گذشته دلالت کند و آخرش مبنی بر فتحه باشد مانند: **كَتَبَ ـ سَمِعَ ـ شَرُفَ ـ دَحْرَجَ**. مگر در صورت وجود عارض و مانعی چون: **ضَرَبُوْا**.

۲ـ فعل حال آنست که بر زمان حاضر دلالت کند.

۳ـ فعل مستقبل آنست که بر زمان آینده دلالت کند و حرف آخر آن مرفوع می‌شود، مانند: **يَكْتُبُ ـ يَضْرِبُ ـ يَسْمَعُ ـ يُدَحْرِجُ**. مگر در صورت وجود عارض و مانعی[2] چون: **لَمْ يَضْرِب**. صیغه‌های فعل حال

۱ـ فعل متصّرف در اصطلاح علمای اهل صرف به فعلی گفته می‌شود که از مصدر آن، صیغه‌های ماضی، مضارع، امر، نهی و غیره ساخته می‌شوند.

۲ـ و عارض در ماضی که آخرش مبنی بر فتحه نمی‌شود ضمیر متصل می‌باشد که در آن صورت یا مبنی بر سکون می‌شود چنانکه در ضَرَبْنَ، ضَرَبْتُنَّ، ضَرَبْتُمْ، ضَرَبْتُ، ضَرَبْنَا یا مبنی بر ضم چنانکه در ضربوا.

و استقبال یکی هستند.[1]

به حال و استقبال، فعل مضارع نیز می‌گویند.

پرسش و تمرین

۱ـ فعل را تعریف نمائید.

۲ـ فعل چند نوع دارد؟ انواع آن را نام ببرید.

۳ـ فعل ماضی را تعریف کنید.

۴ـ فعل مستقبل و حال را تعریف نمائید.

۵ـ در کلمات زیر نوع فعل را مشخص کنید:

سَمِعَ ـ يَضْرِبُ ـ كَتَبَ ـ يَفْتَحُ ـ يَحْسِبُ.

۶ـ دو مثال برای فعل ماضی و دو مثال برای مستقبل و دو مثال برای حال بنویسید.

و عارض در مضارع نواصب و جوازم می‌باشد که در آن صورت آخرش مجزوم یا منصوب می‌شود و فعل مضارع بدو صورت مرفوع می‌شود در پنج صیغه: یفعل، تفعل، افعل، تفعل مرفوع بحرکت رفع و در هفت صیغه، مرفوع با ثبات نون اعرابی می‌شود.

۱ـ «صیغه» در اصطلاح اهل صرف عبارت از هیئتی است که برای کلمه پس از ترتیب حروف با حرکتها و ساکنها، حاصل می‌شود.

درس دوّم

تعداد صیغه‌های فعل ماضی و مضارع

هر یکی از فعل ماضی و مضارع دارای چهارده صیغه بشرح ذیل می‌باشد:

* مذَکر عایب: سه صیغه
* مونث غایب: سه صیغه
* مذکر مخاطب: سه صیغه
* مؤنث مخاطب: سه صیغه
* واحد متکلّم: یک صیغه (برای مؤنث و مذکر که به آن «**مُتَکَلِّمْ وَحْدَه**» نیز گویند)
* جمع متکلّم: یک صیغه (برای جمع مذکر و مؤنث و تثنیه که به آن «**مُتَکَلِّمْ مَعَ الْغَیْر**» نیز گویند)

صرف چهارده صیغهٔ فعل ماضی معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ ضَرَبَ	یک مرد زد	۸ـ ضَرَبْتُمَا	شما دو مرد زدید
۲ـ ضَرَبَا	دو مرد زدند	۹ـ ضَرَبْتُمْ	شما مردان زدید
۳ـ ضَرَبُوْا	مردان زدند	۱۰ـ ضَرَبْتِ	تو یک زن زدی
۴ـ ضَرَبَتْ	یک زن زد	۱۱ـ ضَرَبْتُمَا	شما دو زن زدید
۵ـ ضَرَبَتَا	دو زن زدند	۱۲ـ ضَرَبْتُنَّ	شما زنان زدید
۶ـ ضَرَبْنَ	زنان زدند	۱۳ـ ضَرَبْتُ	زدم
۷ـ ضَرَبْتَ	تو یک مرد زدی	۱۴ـ ضَرَبْنَا	زدیم

*** یاد آوری:**

مفرد، تثنیه و جمع در صیغه‌ها تعیین نشده است. اساتید محترم ضمن بیان مفهوم آنها برای طلاب، در جدول فوق مشخص نمایند.

فعل معلوم و مجهول

هر یک از فعل ماضی و مضارع به دو قسم معلوم و مجهول تقسیم می‌شوند. «فعل معلوم» آنست که فاعلش معلوم باشد،

مانند: **كَتَبَ عُمَرُ** (عمر نوشت)

«فعل مجهول» آنست که فاعلش نامعلوم باشد، مانند:

كُتِبَ (نوشته شد)

طريقهٔ ساخت فعل ماضی مجهول

فعل ماضی مجهول از معلوم آن، چنین ساخته می‌شود که حرف عین الکلمه را کسره داده و حروف متحرّک پیش از آن را، ضمّه می‌دهیم. چنانکه:

ضَرَبَ ← ضُرِبَ. ضَرَباَ ← ضُرِباَ

صرف چهارده صیغه فعل ماضی مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ ضُرِبَ	یک مرد زده شد	۸ـ ضُرِبْتُمَا	شما دو مرد زده‌شدید
۲ـ ضُرِبَا	دو مرد زده‌شدند	۹ـ ضُرِبْتُمْ	شما مردان زده‌شدید
۳ـ ضُرِبُوْا	مردان زده‌شدند	۱۰ـ ضُرِبْتِ	تو یک زن زده‌شدی
۴ـ ضُرِبَتْ	یک زن زده‌شد	۱۱ـ ضُرِبْتُمَا	شما دو زن زده‌شدید
۵ـ ضُرِبَتَا	دو زن زده‌شدند	۱۲ـ ضُرِبْتُنَّ	شما زنان زده‌شدید
۶ـ ضُرِبْنَ	زنان زده‌شدند	۱۳ـ ضُرِبْتُ	زده‌شدم
۷ـ ضُرِبْتَ	تو یک مردزده‌شدی	۱۴ـ ضُرِبْنَا	زده‌شدیم

پرسش و تمرین

۱ـ فعل ماضی دارای چند صیغه می‌باشد؟
۲ـ صیغه‌های شماره ۳، ۶، ۹، ۲ را بنویسید و ترجمه کنید.
۳ـ فعل مضارع چند صیغه دارد؟
۴ـ واحد متکلّم مؤنث و مذکر چه فرقی با هم دارند؟
۵ـ شمارهٔ صیغه‌های زیر را نوشته نوع فعل را مشخص نمائید:
ضَرَبَتْ ضَرَبُوْا ضَرَبْتَ ضَرَبْتِ
۶ـ صیغهٔ شماره‌های زیر را نوشته ترجمه کنید:
۷ـ ۱۴ـ ۲ـ ۱۱ـ
۷ـ فعل معلوم را تعریف نمائید.
۸ـ فعل مجهول را تعریف نمائید.
۹ـ فعل مجهول چگونه ساخته می‌شود؟
۱۰ـ از صیغه‌های زیر معلوم و مجهول را مشخص کنید:
ذَهَبْتُ ضُرِبَ کَتَبْنَ کَتَبُوْا ضَرَبْنَا
۱۱ـ صیغه‌های زیر را ترجمه کنید:
ضَرَبتُ ضَرَبْتُنَّ ضُرِبْتُمْ کُتِبَ
۱۲ـ شمارهٔ هر یک از صیغه‌های ذیل را در کنار آنها بنویسید:
۵ـ ۹ـ ۱۳ـ ۱ـ ۴ـ ۸
ضُرِبْتُ ضُرِبَتْ ضُرِبَ ضُرِبْتُماَ ضُرِبْتُمْ ضُرِبَتَا
۱۳ـ صیغه‌های زیر را به عربی بنویسید:
شمازنان زدید: زده شدم: دو زن زدند: زنـان زده‌شدند

درس سوّم

فعل مثبت و منفی

فعل از جهتی به دو قسم تقسیم می‌شود: مثبت و منفی.

۱ـ فعل مثبت آنست که از آن، کردن یا شدن کاری مفهوم شود. مانند: **«کَتَبَ»** (آن مرد نوشت در زمان گذشته) **«یَکْتُبُ»** (آن مرد می‌نویسد در زمان حال یا آینده)

۲ـ فعل منفی آنست که از آن، نکردن یا نشدن کاری مفهوم شود. مانند **«ماکَتَبَ»** (آن مرد ننوشت، در زمان گذشته) **«لَا یَکْتُبُ»** (آن مرد نمی‌نویسد، در زمان حال یا آینده)

فعل ماضی منفی

ماضی منفی از ماضی مثبت اینگونه ساخته می‌شود که حرف **«ماَ»** نافیه در اول آن آورده می‌شود و این حرف، هیچگونه تغییری در لفظ فعل نمی‌آورد. البته در معنای فعل تغییر ایجاد می‌کند، یعنی: فعل مثبت را، منفی می‌کند.

صرف فعل ماضی منفی معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ مَاضَرَبَ	آن مرد نزد	۸ـ مَاضَرَبْتُمَا	شما دو مرد نزدید
۲ـ مَاضَرَبَا	آن دو مرد نزدند	۹ـ مَاضَرَبْتُمْ	شما مردان نزدید
۳ـ مَاضَرَبُوا	آن مردان نزدند	۱۰ـ مَاضَرَبْتِ	تو یک زن نزدی
۴ـ مَاضَرَبَتْ	آن زن نزد	۱۱ـ مَاضَرَبْتُمَا	شما دو زن نزدید
۵ـ مَاضَرَبَتَا	آن دو زن نزدند	۱۲ـ مَاضَرَبْتُنَّ	شما زنان نزدید
۶ـ مَاضَرَبْنَ	آن زنان نزدند	۱۳ـ مَاضَرَبْتُ	نزدم (واحد متکلّم)
۷ـ مَاضَرَبْتَ	تو یک مرد نزدی	۱۴ـ مَاضَرَبْنَا	نزدیم (متکلم مع‌الغیر)

صرف فعل ماضی منفی مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ مَاضُرِبَ	آن یک مرد زده‌نشد	۸ـ مَاضُرِبْتُمَا	شما دو مرد زده‌نشدید
۲ـ مَاضُرِبَا	آن دو مرد زده‌نشدند	۹ـ مَاضُرِبْتُمْ	شما مردان‌زده‌نشدید
۳ـ مَاضُرِبُوا	آن مردان زده‌نشدند	۱۰ـ مَاضُرِبْتِ	تو یک زن زده‌نشدی
۴ـ مَاضُرِبَتْ	آن زن رده نشد	۱۱ـ مَاضُرِبْتُمَا	شما دو زن زده‌نشدید
۵ـ مَاضُرِبَتَا	آن دو زن زده‌نشدند	۱۲ـ مَاضُرِبْتُنَّ	شما زنان زده‌نشدید
۶ـ مَاضُرِبْنَ	آن زنان زده‌نشدند	۱۳ـ مَاضُرِبْتُ	زده‌نشدم
۷ـ مَاضُرِبْتَ	تو یک مرد زده‌نشدی	۱۴ـ مَاضُرِبْنَا	زده‌نشدیم

پرسش و تمرین

۱ـ فعل مثبت و منفی را تعریف نمائید

۲ـ دو مثال برای فعل مثبت و دو مثال برای فعل منفی بنویسید.

۳ـ از فعل‌های زیر مثبت و منفی را مشخص نمائید.

مَاكَتَبَ ـ مَاكَتَبْتُ ـ ذَهَبُوْا ـ كَتَبَتْ ـ لَايَكْتُبُوْنَ ـ لَايَذْهَبُ.

نیز فعلهای ماضی را از صیغه‌های بالا مشخص کنید.

۴ـ فعل ماضی چگونه منفی می‌شود؟

۵ـ حرف نفی در ظاهر فعل چه تغییری ایجاد می‌کند؟

۶ـ حرف نفی در معنای فعل چه تغییری ایجاد می‌کند؟

۷ـ صیغه‌های واحد مؤنث مخاطب، تثنیه مذکر غائب و جمع مؤنث مخاطب معلوم و مجهول را نوشته، ترجمه کنید.

۸ـ هر یک از این شماره‌ها را در کنار صیغهٔ مربوط به آن قرار دهید:

۱۳ ـ ۲ ـ ۱۱ ـ ۴ ـ ۷ ـ ۱۰ ـ ۸

مَاضَرَبْتُمَا　　مَاضَرَبَا　　مَاضَرَبْتُ　　مَاضَرَبَتْ

مَاضَرَبْتَ　　مَاضَرَبْتِ　　مَاضَرَبْتُمَا

درس چهارم

اقسام فعل ماضی

فعل ماضی به اعتباری بر شش قسم است:

۱ـ ماضی مطلق: آنست که بدون هیچگونه قیدی برزمان گذشته دلالت کند مانند: «**ضَرَبَ**» (یک مرد زد در زمان گذشته)

۲ـ ماضی قریب: آنست که بر انجام فعلی در زمان گذشتهٔ نزدیک به زمان حال، دلالت کند و هرگاه حرف «**قَدْ**» به اوّل ماضی مطلق بیاوریم، ماضی قریب درست می‌شود مانند: «**قَدْ ضَرَبَ**» (یک مرد زده است) «**قَدْ ضَرَبْتُ**» (زده‌ام)

۳ـ ماضی بعید: آنست که برانجام فعلی در زمان گذشتهٔ دور از زمان حال، دلالت کند و هرگاه لفظ «**کانَ**» را به اوّل ماضی مطلق بیاوریم، آن را بعید می‌سازد. مانند:

«**کانَ ضَرَبَ**» (یک مرد زده بود) «**کُنْتُ ضَرَبْتُ**» (زده بودم)

۴ـ ماضی استمراری: آنست که بر صدور فعلی در زمان گذشته، بطور دوام و همیشگی دلالت کند. و هرگاه لفظ «**کانَ**» را به اوّل فعل مضارع بیاوریم، «ماضی استمراری» درست می‌شود. مانند: «**کانَ یَذْهَبُ**» (آن مرد می‌رفت) «**کانَ یَقْرَأُ**» (آن مرد می‌خواند) «**کُنْتُ أَکْتُبُ**» (من می‌نوشتم)

۵ـ ماضی احتمالی: آنست که بر صدور فعلی در زمان گذشته بطور شک و تردید دلالت کند، و با اضافه کردن لفظ «**لَعَلَّمَا**» در اوّل ماضی مطلق، «ماضی احتمالی» درست می‌شود، مانند: «**لَعَلَّمَا ذَهَبَ**» (شاید آن مرد رفته باشد)، «**لَعَلَّمَا ذَهَبْتُ**» (شاید رفته باشم)

٦ـ ماضی تمنّائی: آنست که بر آرزو و خواهش صدور فعل در زمان گذشته، دلالت کند و با اضافه کردن لفظ «**لَيْتَمَا**» در آغاز ماضی مطلق، «ماضی تمنّائی» درست خواهد شد، مانند: «**لَيْتَمَا ضَرَبَ**» (کاش آن مرد می‌زد)، «**لَيْتَمَا قَرَأْتُ**» (کاش درس می‌خواندم).

هر یکی از اقسام فعل ماضی دارای چهارده صیغهٔ معروف و مجهول می‌باشد که در نتیجه، مجموع صیغه‌های فعل ماضی «سیصد و سی و شش» (۳۳۶) می‌باشند.

پرسش و تمرين

۱ـ فعل ماضى داراى چند قسم مى‌باشد؟

۲ـ «ماضى قريب» و «بعيد» را تعريف نموده، روش درست كردن آن را بنويسيد.

۳ـ «ماضى استمرارى» كدام است و چگونه درست مى‌شود؟

۴ـ «ماضى تمنّائى» و «ماضى احتمالى» چه فرقى با هم دارند؟

۵ـ در فعل‌هاى زير نوع ماضى را مشخص كنيد:

كانَ ذَهَبَ　　لَيْتَما كَتَبَ　　كانَ يَقْرَأُ

كُنْتُ اَسْمَعُ　　قَدْ ضَرَبَ

۶ـ سه صيغهٔ مذكر غايب «ماضى احتمالى» و سه صيغهٔ مؤنث مخاطب «ماضى تمنّائى» را نوشته ترجمه كنيد.

۷ـ صيغهٔ واحد متكلم و جمع متكلّم «ماضى بعيد» و «ماضى استمرارى» را نوشته ترجمه كنيد.

۸ـ چهارده صيغهٔ «ماضى احتمالى» مجهول و چهارده صيغهٔ «ماضى استمرارى» معلوم را در دفترهاى خود بنويسيد.

۹ـ نوع صيغه‌هاى زير را مشخص كرده ترجمه آنها را بنويسيد.

لَيْتَماَ ضُرِبَتْ ـ كانَ يُضْرَبُ ـ لَعَلَّماَ ذَهَبْتُ ـ كاناَيَقْرَأَنِ ـ قَدْقَرَئَتْ

۱۰ـ نوشتن و تصريف كليه صيغه‌هاى معروف و مجهول اقسام فعل ماضى با ترجمه آنها به طلّاب عزيز توصيه مى‌شود و اساتيد محترم نيز تلاش و دقّت بيشترى بعمل آورند.

درس پنجم

فعل مضارع و چگونگی ساخت آن

فعل مضارع از فعل ماضی بشرح زیر ساخته می‌شود:

الف ـ یکی از علامتهای چهارگانهٔ مضارع را (حروف **«أَتَيْن»** ا ـ ت ـ ی ـ ن) در اول ماضی با تفصیل ذیل اضافه می‌کنیم: «الف» را در اول واحد متکلّم «تا» را در اوّل هشت صیغهٔ زیر:

۱ـ واحد مؤنث غایب ۵ـ جمع مذکر حاضر

۲ـ تثنیه مؤنث غایب ۶ـ واحد مؤنث حاضر

۳ـ واحد مذکر حاضر ۷ـ تثنیه مؤنث حاضر

۴ـ تثنیه مذکر حاضر ۸ـ جمع مؤنث حاضر

«یاء» را در اوّل چهار صیغهٔ زیر:

۱ـ واحد مذکر غایب ۳ـ جمع مذکر غایب

۲ـ تثنیه مذکر غایب ۴ـ جمع مؤنث غایب

«ن» را در اول صیغهٔ جمع متکلّم.

ب ـ حرف اوّل (فاء کلمه) را ساکن می‌کنیم.

ج ـ حرف آخر (لام کلمه) را در پنج صیغهٔ زیر ضمه می‌دهیم:

۱ـ واحد مذکر غایب ۲ـ واحد مؤنث غایب ۳ـ واحد مذکر حاضر ۴ـ واحد متکلّم ۵ـ جمع متکلّم.

د ـ در آخر هفت صیغهٔ ذیل به جای اعراب (حرکت) نون اعرابی اضافه می‌کنیم:[1]

۱ـ تثنیه مذکر غایب ۲ـ تثنیه مذکر حاضر
۳ـ تثنیه مؤنث غایب ۴ـ تثنیه مؤنث حاضر
۵ـ جمع مذکر غایب ۶ـ جمع مذکر حاضر
۷ـ واحد مؤنث حاضر.

نون اعرابی چهار صیغهٔ اول مکسور و سه صیغهٔ آخر مفتوح می‌شود.

هـ ـ صیغه‌های جمع مؤنث (غایب و حاضر) مانند فعل ماضی در آخر خود، نون تأنیث دارند. «لام کلمه» اینها ساکن می‌شود.

فعل مضارع مجهول مثبت

روش ساختن فعل مضارع مجهول چنین است که حرف اوّل مضارع معلوم را ضمه و حرف پیش از حرف آخر را که در مقابل «عین کلمه» قرار دارد، فتحه می‌دهیم. مانند:

يَضْرِبُ ← **يُضْرَبُ** (یک مرد زده خواهد شد)

۱ـ نون اعرابی: نونی است که عوض اعراب رفع در آخر هفت صیغه آورده می‌شود و بهمین سبب در صورت منصوب یا مجزوم بودن فعل مضارع نون اعرابی از این هفت صیغه ساقط می‌شود.

صرف فعل مضارع معلوم مثبت

ترجمه	صیغه	ترجمه	صیغه
شما دو مرد می‌زنید	۸ـ تَضْرِبَانِ	آن یک مرد می‌زند	۱ـ یَضْرِبُ
شما همه مردان می‌زنید	۹ـ تَضْرِبُوْنَ	آن دو مرد می‌زنند	۲ـ یَضْرِبَانِ
تو یک زن می‌زنی	۱۰ـ تَضْرِبِیْنَ	آن همه مردان می‌زنند	۳ـ یَضْرِبُوْنَ
شما دو زن می‌زنید	۱۱ـ تَضْرِبَانِ	آن یک زن می‌زند	۴ـ تَضْرِبُ
شما همه زنان می‌زنید	۱۲ـ تَضْرِبْنَ	آن دو زن می‌زنند	۵ـ تَضْرِبَانِ
می‌زنم (واحدمتکلم)	۱۳ـ اَضْرِبُ	آن همه زنان می‌زنند	۶ـ یَضْرِبْنَ
می‌زنیم(جمع متکلم)	۱۴ـ نَضْرِبُ	تو یک مرد می‌زنی	۷ـ تَضْرِبُ

صرف فعل مضارع مجهول مثبت

ترجمه	صیغه	ترجمه	صیغه
شما دو مرد زده‌خواهیدشد	۸ـ تُضْرَبَانِ	آن مرد زده خواهد شد	۱ـ یُضْرَبُ
شماهمه‌مردان‌زده‌خواهیدشد	۹ـ تُضْرَبُوْنَ	آن‌دومردزده‌خواهندشد	۲ـ یُضْرَبَانِ
تو یک زن زده‌خواهی‌شد	۱۰ـ تُضْرِبِیْنَ	آن مردان زده‌خواهندشد	۳ـ یُضْرَبُوْنَ
شما دو زن زده‌خواهیدشد	۱۱ـ تُضْرَبَانَ	آن یک زن زده خواهدشد	۴ـ تُضْرَبُ
شماهمه‌زنان‌زده‌خواهیدشد	۱۲ـ تُضْرَبْنَ	آن دو زن‌زده‌خواهندشد	۵ـ تُضْرَبَانِ
زده‌خواهم‌شد(واحدمتکلم)	۱۳ـ اُضْرَبُ	آن‌همه‌زنان‌زده‌خواهندشد	۶ـ یُضْرَبْنَ
زده‌خواهیم‌شد(جمع متکلم)	۱۴ـ نُضْرَبُ	تو یک مرد زده‌خواهی‌شد	۷ـ تُضْرَبُ

پرسش و تمرین

۱ـ علامتهای مضارع را نام ببرید.
۲ـ «فاء کلمه» در مضارع چه حرکتی دارد؟
۳ـ «لام کلمه» در کدام کلمه‌ها مضموم می‌شود؟
۴ـ حرف «یاء» بر چند صیغه آورده می‌شود؟
۵ـ «نون اعرابی» بر چند صیغه آورده می‌شود و محل آن کجاست؟
۶ـ چهار صیغه بنویسید که در اول آنها حرف «تاء» باشد.
۷ـ در صیغه‌های زیر نون اعرابی و نون جمع مؤنث را مشخص کنید.

یَضْرِبَانَ تَضْرِبْنَ تَضْرِبُوْنَ تَضْرِبِيْنَ يَضْرِبْنَ

۸ـ فعل مضارع معلوم از «**يَكْتُبُ**» را صرف نموده در دفتر خویش با ترجمه آن بنویسید.
۹ـ فعل مضارع مجهول چگونه درست می‌شود؟
۱۰ـ کدام حرف از مضارع مجهول فتحه داده می‌شود؟
۱۱ـ صیغه‌های مونث مضارع مجهول را صرف نموده، با ترجمه آن در دفتر خویش بنویسید.
۱۲ـ هر یک از این شماره‌ها را در کنار فعل آن قرار دهید:

۹ـ ۴ـ ۲ـ ۷ـ ۱۳ـ ۱۰

تَضْرِبِيْنَ تَضْرِبُوْنَ تَضْرِبُ اَضْرِبُ

يَضْرِبَانِ تَضْرِبُ

۱۳ـ صیغه‌های شماره‌های زیر از مضارع مجهول را بنویسید:

۸ـ ۱۴ـ ۶ـ ۳ـ

۵ـ ۱۱ـ

۱۴ـ نون اعرابی، نون تثنیه و نون جمع چه فرقی با یکدیگر دارند؟

درس ششم

فعل مضارع منفی

فعل مضارع به دو گونه به شرح زیر منفی می‌شود:

۱ـ حرف «**لاَ**» نافیه را در اول آن بیاوریم مانند: «**لاَيَكْتُبُ**» (آن مرد نمی‌نویسد) حرف «**لاَ**» در لفظ فعل هیچ تغییری ایجاد نمی‌کند فقط معنای آن را تغییر می‌دهد.

۲ـ حرف «**لَنْ**» تأکیدیه را در اول آن بیاوریم مانند: «**لَنْ يَكْتُبَ**» (هرگز نمی‌نویسد).

حرف «**لَنْ**» در لفظ فعل هم تغییر ایجاد می‌کند.

این حرف پس از آمدن بر فعل مضارع، آن را به معنای «مستقبل منفی» کرده و به شرح زیر در لفظ عمل می‌کند:

الفـ در پنج صیغه، آخر آنها را نصب می‌دهد:

۱ـ واحد مذکر غایب ۲ـ واحد مؤنث غایب ۳ـ واحد مذکر حاضر ۴ـ واحد متکلّم ۵ـ جمع متکلّم.

بـ نون اعرابی را در هفت صیغه ساقط می‌کند:

۱ـ تثنیه مذکر غایب ۲ـ تثنیه مؤنث غایب ۳ـ تثنیه مذکر حاضر ۴ـ تثنیهٔ مؤنث حاضر ۵ـ جمع مذکر غایب ۶ـ جمع مذکر حاضر ۷ـ واحد مؤنث حاضر.

در دو صیغهٔ جمع مؤنث غایب و جمع مؤنث حاضر هیچگونه تغییری در لفظ بوجود نمی‌آورد.[1]

صرف مضارع منفی معلوم با «لاَ» نافیه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لاَیَضْرِبُ	آن یک مرد نخواهد زد	۸ـ لاَتَضْرِبَانِ	شما دو مرد نخواهید زد
۲ـ لاَیَضْرِبَانِ	آن دو مرد نخواهند زد	۹ـ لاَتَضْرِبُوْنَ	شماهمه مردان نخواهید زد
۳ـ لاَیَضْرِبُوْنَ	آن‌همه مردان نخواهند زد	۱۰ـ لاَتَضْرِبِیْنَ	تو یک زن نخواهی زد
۴ـ لاَتَضْرِبُ	آن زن نخواهدزد	۱۱ـ لاَتَضْرِبَانِ	شمادو زن نخواهید زد
۵ـ لاَتَضْرِبَانِ	آن دو زن نخواهند زد	۱۲ـ لاَتَضْرِبْنَ	شماهمه زنان نخواهید زد
۶ـ لاَیَضْرِبْنَ	آن زنان نخواهند زد	۱۳ـ لاَاَضْرِبُ	نخواهم زد
۷ـ لاَتَضْرِبُ	تو یک مرد نخواهی زد	۱۴ـ لاَنَضْرِبُ	نخواهیم زد

۱ـ باید دانست که هیچ عاملی در لفظ این دو صیغه تغییری ایجاد نمی‌کند. زیرا که نون جمع مؤنث مبنی است چون ضمیر بارز است.

صرف مضارع منفی مجهول با «لاَ» نافیه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لاَیُضْرَبُ	آن‌مرد زده‌نخواهدشد	۸ـ لاَتُضْرَبَانِ	شمادومردزده‌نخواهیدشد
۲ـ لاَیُضْرَبَانِ	آن‌دومردزده‌نخواهندشد	۹ـ لاَتُضْرَبُوْنَ	شماهمه‌مردان‌زده‌نخواهیدشد
۳ـ لاَیُضْرَبُوْنَ	آن‌همه‌مردان‌زده‌نخواهندشد	۱۰ـ لاَتُضْرَبِیْنَ	تویک‌زن‌زده‌نخواهی‌شد
۴ـ لاَتُضْرَبُ	آن زن زده‌نخواهدشد	۱۱ـ لاَتُضْرَبَانِ	شمادوزن‌زده‌نخواهیدشد
۵ـ لاَتُضْرَبَانَ	آن‌دوزن‌زده‌نخواهندشد	۱۲ـ لاَتُضْرَبْنَ	شماهمه‌زنان‌زده‌نخواهیدشد
۶ـ لاَیُضْرَبْنَ	آن‌زنان‌زده‌نخواهندشد	۱۳ـ لاَأُضْرَبُ	زده نخواهم‌شد
۷ـ لاَتُضْرَبُ	تویک‌مردزده‌نخواهی‌شد	۱۴ـ لاَنُضْرَبُ	زده‌نخواهیم‌شد

صرف فعل مستقبل معلوم منفی با «لن» تاکیدیه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لَنْ یَّضْرِبَ	آن یک مرد هرگزنخواهد زد	۸ـ لَنْ تَضْرِباَ	شما دو مردهرگز نخواهیدزد
۲ـ لَنْ یَّضْرِباَ	آن دومرد هرگز نخواهند زد	۹ـ لَنْ تَضْرِبُوْا	شماهمه‌مردان‌هرگزنخواهیدزد
۳ـ لَنْ یَّضْرِبُوْا	آن‌همه‌مردان‌هرگزنخواهندزد	۱۰ـ لَنْ تَضْرِبِیْ	تویک زن هرگزنخواهی‌زد
۴ـ لَنْ تَضْرِبَ	آن‌یک‌زن هرگزنخواهدزد	۱۱ـ لَنْ تَضْرِباَ	شمادوزن هرگزنخواهیدزد

۵ـ لَنْ تَضْرِبَا	آن‌دوزن هرگزنخواهندزد	۱۲ـ لَنْ تَضْرِبْنَ	شماهمه‌زنان‌هرگزنخواهیدزد
۶ـ لَنْ يَّضْرِبْنَ	آن‌همه‌زنان‌هرگزنخواهندزد	۱۳ـ لَنْ اَضْرِبَ	هرگز نخواهم‌زد
۷ـ لَنْ تَضْرِبَ	تویک مردهرگزنخواهی‌زد	۱۴ـ لَنْ نَضْرِبَ	هرگز نخواهیم‌زد

صرف فعل مستقبل مجهول منفی با «لن» تاکیدیه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لَنْ يُّضْرَبَ	آن یک‌مردهرگززده‌نخواهدشد	۸ـ لَنْ تُضْرَبَا	شمادو مردهرگززده‌نخواهیدشد
۲ـ لَنْ يُّضْرَبَا	آن‌دو مردهرگززده‌نخواهندشد	۹ـ لَنْ تُضْرَبُوْا	شماهمه‌مردان‌هرگززده‌نخواهیدشد
۳ـ لَنْ يُّضْرَبُوْا	آن‌همه‌مردان‌هرگززده‌نخواهندشد	۱۰ـ لَنْ تُضْرَبِیْ	تویک‌زن‌هرگززده‌نخواهی‌شد
۴ـ لَنْ تُضْرَبَ	آن یک‌زن‌هرگززده‌نخواهدشد	۱۱ـ لَنْ تُضْرَبَا	شمادوزن‌هرگززده‌نخواهیدشد
۵ـ لَنْ تُضْرَبَا	آن‌دوزن‌هرگززده‌نخواهندشد	۱۲ـ لَنْ تُضْرَبْنَ	شماهمه‌زنان‌هرگززده‌نخواهیدشد
۶ـ لَنْ يُّضْرَبْنَ	آن‌همه‌زنان‌هرگززده‌نخواهندشد	۱۳ـ لَنْ اُضْرَبَ	هرگز زده‌نخواهم‌شد
۷ـ لَنْ تُضْرَبَ	تویک‌مردهرگززده‌نخواهی‌شد	۱۴ـ لَنْ نُضْرَبَ	هرگز زده‌نخواهیم‌شد

پرسش و تمرین

۱ـ فعل مضارع «مثبت» و «منفی» را تعریف کنید.
۲ـ فعل مضارع مثبت چگونه منفی می‌شود؟
۳ـ آیا حرف «لاَ» در لفظ فعل هم تغییر ایجاد می‌کند؟
۴ـ سه صیغهٔ فعل مضارع مثبت نوشته آنها را منفی و ترجمه کنید.
۵ـ فعل مضارع معلوم و مجهول منفی را با ترجمه در دفتر خویش بنویسید.
۶ـ حرف «لَنْ» چه تغییری در معنای فعل مضارع بوجود می‌آورد؟
۷ـ «لَنْ» در لفظ فعل مضارع تغییر ایجاد می‌کند یا خیر؟
۸ـ بوسیلهٔ «لَنْ» نون اعرابی چند صیغه ساقط می‌شود؟
شماره‌های آنها را بنویسید.
۹ـ حرف «لَنْ» در کدام صیغه‌ها عمل لفظی نمی‌کند؟
۱۰ـ سه صیغه که «لَنْ» آنها را نصب داده و چهار صیغه که نون اعرابی آنها ساقط شده، بنویسید.
۱۱ـ از کلمات زیر صیغه‌هایی را که «لَنْ» هیچگونه عمل لفظی در آنها نکرده، مشخص نمایید.

لَنْ يَّكْتُبَا ـ لَنْ يَّكْتُبْنَ ـ لَنْ يَّكْتُبُوْا ـ لَنْ تَكْتُبَا ـ لَنْ تَكْتُبْنَ

۱۲ـ صیغه‌های شماره‌های ذیل را با ترجمه آنها بنویسید.

۳ـ	۷ـ	۱۲ـ
۹ـ	۱۳ـ	۴ـ

۱۳ـ فعل مضارع منفی معلوم مؤکّد با «لن» از «يَنْصُرُ» را صرف کرده و در دفتر خود بنویسید.

درس هفتم

فعل جَحْد منفی با «لَمْ» جازمه

اگر حرف **«لَمْ»** جازمه را بر فعل مضارع بیاوریم آن را منفی می‌کند و در اصطلاح علم صرف آن را **«فعل جَحْد»** می‌نامند.

حرف **«لَمْ»** جازمه در فعل مضارع بشرح ذیل عمل می‌کند:

۱ـ عمل لفظی:

الفـ حرف آخر پنج صیغه را جزم می‌دهد در صورتی که حرف علت نباشد، مانند: **«لَمْ یَضْرِبْ»** و آن پنج صیغه عبارتند از:

۱ـ واحد مذکر غایب ۲ـ واحد مؤنث غایب ۳ـ واحد مذکر حاضر ۴ـ واحد متکلّم ۵ـ جمع متکلّم.

بـ اگر حرف آخر آن، حرف علت باشد، آن را ساقط می‌کند مانند: **لَمْ یَدْعُ، لَمْ یَرْمِ، لَمْ یَخْشَ.** حرف علت سه تا هستند: «واو، الف، ی»

جـ نون اعرابی را از هفت صیغه ساقط می‌کند، مانند: **«لَمْ یَضْرِبَا»** و آن هفت صیغه عبارتند از:

۱ـ تثنیه مذکر غایب ۲ـ تثنیه مؤنث غایب ۳ـ تثنیه مذکر حاضر

۴ـ تثنیه مؤنث حاضر ۵ـ جمع مذکر غایب ۶ـ جمع مذکر حاضر

۷ـ واحد مؤنث حاضر.

۲ـ عمل معنوی:

د ـ فعل مستقبل را از نظر معنی به ماضی منفی تبدیل می‌کند و در جمع مؤنث غایب و حاضر هیچگونه عمل لفظی نمی‌کند.

صرف فعل جحد منفی معلوم با «لَمْ» جازمه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لَمْ یَضْرِبْ	آن یک مرد نزده‌است	۸ـ لَمْ تَضْرِبَا	شما دو مرد نزده‌اید
۲ـ لَمْ یَضْرِبَا	آن دو مرد نزده‌اند	۹ـ لَمْ تَضْرِبُوْا	شما همه مردان نزده‌اید
۳ـ لَمْ یَضْرِبُوْا	آن همه مردان نزده‌اند	۱۰ـ لَمْ تَضْرِبِیْ	تو یک زن نزده‌ای
۴ـ لَمْ تَضْرِبْ	آن یک زن نزده‌است	۱۱ـ لَمْ تَضْرِبَا	شما دو زن نزده‌اید
۵ـ لَمْ تَضْرِبَا	آن دو زن نزده‌اند	۱۲ـ لَمْ تَضْرِبْنَ	شما همه زنان نزده‌اید
۶ـ لَمْ یَضْرِبْنَ	آن همه زنان نزده‌اند	۱۳ـ لَمْ اَضْرِبْ	نزده‌ام
۷ـ لَمْ تَضْرِبْ	تو یک مرد نزده‌ای	۱۴ـ لَمْ نَضْرِبْ	نزده‌ایم

صرف فعل جحد منفی مجهول با «لَمْ» جازمه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لَمْ يُضْرَبْ	آن یک مرد زده نشده‌است	۸ـ لَمْ تُضْرَبَا	شمادو مرد زده‌نشده‌اید
۲ـ لَمْ يُضْرَبَا	آن دو مرد زده نشده اند	۹ـ لَمْ تُضْرَبُوْا	شماهمه‌مردان‌زده‌نشده‌اید
۳ـ لَمْ يُضْرَبُوْا	آن همه مردان زده نشده‌اند	۱۰ـ لَمْ تُضْرَبِیْ	تو یک زن زده‌نشده‌ای
۴ـ لَمْ تُضْرَبْ	آن‌یک زن زده‌نشده‌است	۱۱ـ لَمْ تُضْرَبَا	شمادوزن زده‌نشده‌اید
۵ـ لَمْ تُضْرَبَا	آن دو زن زده‌نشده‌اند	۱۲ـ لَمْ تُضْرَبْنَ	شما همه زنان زده نشده‌اید
۶ـ لَمْ يُضْرَبْنَ	آن همه زنان زده نشده‌اند	۱۳ـ لَمْ أُضْرَبْ	زده‌نشده‌ام
۷ـ لَمْ تُضْرَبْ	تو یک مرد زده نشده‌ای	۱۴ـ لَمْ نُضْرَبْ	زده‌نشده‌ایم

پرسش و تمرین

۱ـ فعل مضارعی را که با «لَمْ» نفی شده چه می‌نامند؟
۲ـ «لَمْ» جازمه در فعل مضارع چه عملی انجام می‌دهد؟
۳ـ فعل مضارع بوسیلهٔ «لَمْ» به کدام فعل منفی تبدیل می‌شود؟
۴ـ اگر در آخر صیغه‌های فعل مضارع، حرف علت باشد، «لَمْ» چه عملی در آنها انجام می‌دهد؟
۵ـ چهار صیغه بنویسید که «لَمْ» هیچگونه عملی در آنها نکرده.
۶ـ چهار صیغه بنویسید که «لَمْ» نون اعرابی آنها را ساقط کرده است.
۷ـ فعل جَحْد معلوم را صرف نموده با ترجمه در دفتر خویش بنویسید.
۸ـ «لَمْ» در صیغه‌های زیر چه عملی انجادم داده:

لَمْ تَضْرِبَا	لَمْ يَدْعُوْا	لَمْ تَضْرِبِیْ
لَمْ اَخْشَ	لَمْ تُضْرَبْنَ	لَمْ يُضْرَبْنَ

درس هشتم

فعل مستقبل مؤکّد با لام و نون تأکید

اگر بخواهیم فعل مستقبلی را تأکید کنیم، در اوّل آن، «لام مفتوحه» و در آخر آن، حرف «نون» می‌آوریم، و آن دو را، «لام تأکید» و «نون تأکید» می‌نامند.

نون تأکید بر دو قسم است:

۱ـ نون ثقیله: به نون مشدّدی گفته می‌شود که در واقع، دو نون هستند که در یکدیگر ادغام شده‌اند مانند: **«لَيَضْرِبَنْنَ ← لَيَضْرِبَنَّ»**

۲ـ نون خفیفه: به نون ساکنی گفته می‌شود که در آخر فعل مستقبل می‌آید مانند: **«لَيَضْرِبَنْ»**

در صورت وجود «نون تأکید ثقیله» در فعل مضارع، تغییرات ذیل در آن پیدا می‌شود:

الف ـ نون تأکید ثقیله در آخر هر چهارده صیغه می‌آید و حرف پیش از آن در این پنج محل مفتوح می‌شود:

۱ـ واحد مذکر غایب ۲ـ واحد مؤنث غایب ۳ـ واحد مذکر حاضر ۴ـ واحد متکلّم ۵ـ جمع متکلّم

ب ـ معنای آن را مؤکّد و محکم می‌کند.

ج ـ در این شش صیغه پیش از «نون ثقیله»، الف می‌آید: ۱ـ تثنیه

مذکر غایب ۲ـ تثنیه مؤنث غایب ۳ـ تثنیه مذکر حاضر ۴ـ تثنیه مؤنث حاضر ۵ـ جمع مؤنث غایب ۶ـ جمع مؤنث حاضر

دـ در دو صیغهٔ جمع مذکر حاضر و جمع مذکر غایب، «واو» جمع حذف می‌شود و ماقبل واو همچنان مضموم می‌ماند تا بر حذف واو دلالت کند. مانند:

«لَیَضْرِبُنَّ»، **«لَتَضْرِبُنَّ»** و در صیغهٔ واحد مؤنث مخاطب، «یاء» حذف می‌شود و ماقبل آن مکسور می‌ماند تا بر حذف یاء دلالت نماید.

هــ «نون ثقیله» در شش صیغه مکسور می‌شود و آنها صیغه‌هایی هستند که پیش از نون، **«الف»** می‌آید.

و در هشت صیغهٔ دیگر، مفتوح می‌شود.

وـ «نون خفیفه» بر شش صیغه‌ای که پیش از نون، الف می‌آید، وارد نمی‌شود. زیرا که در اینصورت «اجتماع ساکنین» می‌شود (و آن ممنوع است) و بر بقیه صیغه‌ها وارد می‌شود.

همچنین «نون اعرابی» با «نون تأکید» جمع نمی‌شود.

صرف فعل مستقبل معلوم مؤكّد با لام و نون تأكيد ثقيله

صيغه	ترجمه	صيغه	ترجمه
١ـ لَيَضْرِبَنَّ	بايد حتماً يک مرد بزند	٨ـ لَتَضْرِبَانِّ	بايدحتماًشمادومردبزنيد
٢ـ لَيَضْرِبَانِّ	بايد حتماً دومرد بزنند	٩ـ لَتَضْرِبُنَّ	بايدحتماًشمامردانبزنيد
٣ـ لَيَضْرِبُنَّ	بايد حتماًهمهمردانبزنند	١٠ـ لَتَضْرِبِنَّ	بايدحتماًتويکزن بزنى
٤ـ لَتَضْرِبَنَّ	بايد حتماً يکزن بزند	١١ـ لَتَضْرِبَانِّ	بايدحتماًشمادوزن بزنيد
٥ـ لَتَضْرِبَانِّ	بايدحتماًدو زن بزنند	١٢ـ لَتَضْرِبْنَانِّ	بايدحتماًشماهمهزنانبزنيد
٦ـ لَيَضْرِبْنَانِّ	بايدحتماًهمهزنانبزنند	١٣ـ لَاَضْرِبَنَّ	بايد حتماً بزنم
٧ـ لَتَضْرِبَنَّ	بايدحتماًتويکمردبزنى	١٤ـ لَنَضْرِبَنَّ	بايد حتماًبزنيم

صرف فعل مستقبل مجهول مؤکّد با لام و نون تأکید ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن یک مرد زده شود	۸ـ لَتُضْرَبَانِّ	باید حتماً شما دو مرد زده شوید
۲ـ لَيُضْرَبَانِّ	باید حتماً آن دو مرد زده شوند	۹ـ لَتُضْرَبُنَّ	باید حتماً شما مردان زده شوید
۳ـ لَيُضْرَبُنَّ	باید حتماً همه آن مردان زده شوند	۱۰ـ لَتُضْرَبِنَّ	باید حتماً تو یک زن زده شوی
۴ـ لَتُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن یک زن زده شود	۱۱ـ لَتُضْرَبَانِّ	باید حتماً شما دو زن زده شوید
۵ـ لَتُضْرَبَانِّ	باید حتماً آن دو زن زده شوند	۱۲ـ لَتُضْرَبْنَانِّ	باید حتماً شما همه زنان زده شوید
۶ـ لَيُضْرَبْنَانِّ	باید حتماً آن همه زنان زده شوند	۱۳ـ لَأُضْرَبَنَّ	باید حتماً زده شوم
۷ـ لَتُضْرَبَنَّ	باید حتماً تو یک مرد زده شوی	۱۴ـ لَنُضْرَبَنَّ	باید حتماً زده شویم

صرف فعل مستقبل معلوم مؤکّد با لام و نون تأکید خفیفه

صیغه	ترجمه
۱ـ لَيَضْرِبَنْ	باید البته آن یک مرد بزند
۲ـ لَيَضْرِبُنْ	باید البته آن همه مردان بزنند
۳ـ لَتَضْرِبَنْ	باید البته آن یک زن بزند
۴ـ لَتَضْرِبَنْ	باید البته تو یک مرد بزنی
۵ـ لَتَضْرِبُنْ	باید البته شما همه مردان بزنید
۶ـ لَتَضْرِبِنْ	باید البته تو یک زن بزنی
۷ـ لَاَضْرِبَنْ	باید البته بزنم
۸ـ لَنَضْرِبَنْ	باید البته بزنیم

صرف فعل مستقبل مجهول مؤكد با لام و نون تأكيد خفيفه

صيغه	ترجمه
١ـ لَيُضْرَبَنْ	بايد البته آن يک مرد زده‌شود
٢ـ لَيُضْرَبُنْ	بايد البته آن همه مردان زده‌شوند
٣ـ لَتُضْرَبَنْ	بايد البته آن يک زن زده‌شود
۴ـ لَتُضْرَبَنْ	بايد البته تو يک مرد زده‌شوی
۵ـ لَتُضْرَبُنْ	بايد البته شما همه مردان زده‌شويد
۶ـ لَتُضْرَبِنْ	بايد البته تو يک زن زده‌شوی
٧ـ لَاُضْرَبَنْ	بايد البته زده‌شوم
٨ـ لَنُضْرَبَنْ	بايد البته زده‌شويم

پرسش و تمرین

۱ـ فعل مستقبل چگونه مؤکّد می‌شود؟
۲ـ نون تأکید خفیفه و ثقیله چه فرقی با هم دارند؟
۳ـ سه مورد از عمل «نون تاکید ثقیله» را در فعل مستقبل بگوئید.
۴ـ نون خفیفه بر چند صیغه وارد نمی‌شود؟
۵ـ نون إعْرابی با کدام نون جمع نمی‌شود؟
۶ـ نون تأکید و نون اعرابی چه فرقی با هم دارند؟
۷ـ سه صیغه بنویسید که نون ثقیله در آنها مکسور باشد.
۸ـ چهار صیغه را نخست با نون ثقیله و سپس با نون خفیفه تأکید نمائید.
۹ـ صیغه‌هائی راکه حرف ماقبل نون ثقیله مفتوح می‌شود بنویسید.
۱۰ـ «نون»هایی که تا حال خوانده‌اید نام برده فرق آنان را توضیح دهید.

درس نهم

روش ساختن فعل امر

فعل امر از فعل مضارع ساخته می‌شود، هر صیغهٔ امر از همان صیغهٔ مضارع. مثلاً؛ غایب از غایب، مخاطب از مخاطب، متکلّم از متکلّم، معلوم از معلوم و مجهول از مجهول ساخته می‌شود.

روش ساخت امر حاضر معلوم بشرح زیر است:

۱ـ علامت مضارع را حذف می‌کنیم.

۲ـ اگر حرف بعد از علامت مضارع متحرّک بماند، آخر واحد مذکر را ساکن و از بقیه، نون اعرابی را حذف می‌کنیم.

مانند: از «**تَعِدُ**» ← **عِدُ** ← **عِدْ**

و از «**تَعِدَانِ**» ← **عِدَانِ** ← **عِدَا**

۳ـ حرف آخر را در صورتی ساکن می‌کنیم که حرف علّت نباشد اگر حرف علّت باشد، آن را حذف می‌کنیم مانند:

از «**تَقِيُ**» ← **قِيْ** ← **قِ**.

۴ـ اگر حرف بعد از علامت مضارع ساکن باشد، در اوّل آن، همزهٔ وصل اضافه می‌کنیم. با این تفصیل که چنانچه «عین الفعل» مضارع مفتوح یا مکسور باشد، همزهٔ وصل را کسره می‌دهیم و چنانچه مضموم

باشد، همزه را ضمه می‌دهیم مانند:

- **فتحهٔ عین:** از «**تَفْتَحُ**» ← **فْتَحُ** ← **اِفْتَحْ**
- **کسره عین:** از «**تَضْرِبُ**» ← **ضْرِبُ** ← **اِضْرِبْ**
- **ضمه عین:** از «**تَنْصُرُ**» ← **نْصُرُ** ← **اُنْصُرُ**

در این قانون هم، سکون حرف آخر امر، مشروط به نبودن حرف علّت است و اگر حرف علّت باشد، حذف می‌شود مانند:

- **فتحه عین** با حذف حرف علّت: از **تَخْشیٰ** ← **خْشَ** ← **اِخْشَ**
- **کسره عین** با حذف حرف علّت: از **تَرْمِیْ** ← **رْمِ** ← **اِرْمِ**
- **ضمه عین** با حذف حرف علت: از **تَدْعُوْ** ← **دْعُ** ← **اُدْعُ**

روش ساختن امر حاضر مجهول و غایب معلوم و مجهول

۱ـ در اول هر صیغه «لام امر مکسور» اضافه می‌کنیم.

۲ـ صیغه‌هایی که نون اِعرابی داشته باشند، آن را حذف می‌کنیم و صیغه‌هایی که نون اعرابی ندارند، حرف آخر آنها را ساکن می‌کنیم. بشرط اینکه حرف آخر، حرف علّت نباشد. و اگر حرف علّت باشد، آن را حذف می‌کنیم مانند: **لِیَدْعُ** ← **لِیَدْعُوْا** **لِیَرْمِ** ← **لِیَرْمِیْ**.

تذکر ۱ـ نون‌های تأکید (ثقیله و خفیفه) همانند مضارع در فعل امر، نیز بکار گرفته می‌شوند.

تذکر ۲ـ دو صیغهٔ متکلّم، معمولاً در امر غایب بکار گرفته می‌شوند در امر حاضر از آنها استفاده نمی‌شود.

صرف امر حاضر معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ اِضْرِبْ	تو یک مرد بزن	۴ـ اِضْرِبِیْ	تو یک زن بزن
۲ـ اِضْرِبَا	شما دو مرد بزنید	۵ـ اِضْرِبَا	شما دو زن بزنید
۳ـ اِضْرِبُوْا	شما مردان بزنید	۶ـ اِضْرِبْنَ	شما زنان بزنید

صرف امر حاضر مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لِتُضْرَبْ	تویک‌مردبایدزده‌شوی	۴ـ لِتُضْرَبِیْ	تویک زن‌بایدزده‌شوی
۲ـ لِتُضْرَبَا	شمادو مردبایدزده‌شوید	۵ـ لِتُضْرَبَا	شما دوزن‌بایدزده‌شوید
۳ـ لِتُضْرَبُوْا	شمامردان‌بایدزده‌شوید	۶ـ لِتُضْرَبْنَ	شمازنان بایدزده‌شوید

صرف امر غایب معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لِيَضْرِبْ	باید یک مرد بزند	۵ـ لِتَضْرِبَا	باید دو زن بزنند
۲ـ لِيَضْرِبَا	باید دو مرد بزنند	۶ـ لِيَضْرِبْنَ	باید همهٔ زنان بزنند
۳ـ لِيَضْرِبُوْا	باید همهٔ مردان بزنند	۷ـ لِأَضْرِبْ	باید بزنم
۴ـ لِتَضْرِبْ	باید یک زن بزند	۸ـ لِنَضْرِبْ	باید بزنیم

صرف امر غایب مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لِيُضْرَبْ	باید یک مرد زده‌شود	۵ـ لِتُضْرَبَا	باید دو زن زده‌شوند
۲ـ لِيُضْرَبَا	باید دو مرد زده‌شوند	۶ـ لِيُضْرَبْنَ	باید همهٔ زنان زده‌شوند
۳ـ لِيُضْرَبُوْا	باید همهٔ مردان‌زده‌شوند	۷ـ لِأُضْرَبْ	باید زده‌شوم
۴ـ لِتُضْرَبْ	باید یک زن زده‌شود	۸ـ لِنُضْرَبْ	باید زده‌شویم

صرف امر حاضر معلوم با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ اِضْرِبَنَّ	حتماًتو یک مرد بزن	۴ـ اِضْرِبِنَّ	حتماًتو یک زن بزن
۲ـ اِضْرِبَانِّ	حتماً شمادومردبزنید	۵ـ اِضْرِبَانِّ	حتماً شما دو زن‌بزنید
۳ـ اِضْرِبُنَّ	حتماً شما مردان‌بزنید	۶ـ اِضْرِبْنَانِّ	حتماً شما زنان بزنید

صرف امر حاضر مجهول با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لِتُضْرَبَنَّ	باید حتماًتویک‌مردزده‌شوی	۴ـ لِتُضْرَبِنَّ	باید حتماًتویک زن‌زده‌شوی
۲ـ لِتُضْرَبَانِّ	باید حتماًشمادومردزده‌شوید	۵ـ لِتُضْرَبَانِّ	باید حتماًشمادوزن‌زده‌شوید
۳ـ لِتُضْرَبُنَّ	بایدحتماًشمامردان‌زده‌شوید	۶ـ لِتُضْرَبْنَانِّ	بایدحتماًشمازنان‌زده‌شوید

صرف امر غایب معلوم با نون تأکید ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لِيَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن یک مرد بزند	۵ـ لِتَضْرِبَانِّ	باید حتماً آن دو زن بزنند
۲ـ لِيَضْرِبَانِّ	باید حتماً آن دو مرد بزنند	۶ـ لِيَضْرِبْنَانِّ	باید حتماً آن همه زنان بزنند
۳ـ لِيَضْرِبُنَّ	باید حتماً آن همهٔ مردان بزنند	۷ـ لِاَضْرِبَنَّ	باید حتماً بزنم
۴ـ لِتَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن یک زن بزند	۸ـ لِنَضْرِبَنَّ	باید حتماً بزنیم

صرف امر غایب مجهول با نون تأکید ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لِيُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن یک مرد زده شود	۵ـ لِتُضْرَبَانِّ	باید حتماً آن دو زن زده شوند
۲ـ لِيُضْرَبَانِّ	باید حتماً آن دو مرد زده شوند	۶ـ لِيُضْرَبْنَانِّ	باید حتماً آن همهٔ زنان زده شوند
۳ـ لِيُضْرَبُنَّ	باید حتماً آن همهٔ مردان زده شوند	۷ـ لِاُضْرَبَنَّ	باید حتماً زده شوم
۴ـ لِتُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن یک زن زده شود	۸ـ لِنُضْرَبَنَّ	باید حتماً زده شویم

صرف امر حاضر معلوم و مجهول با نون خفیفه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
١ـ اِضْرِبَنْ	حتماًتو یک مرد بزن	۴ـ لِتُضْرَبَنْ	البته باید تو یک مرد زده شوی
٢ـ اِضْرِبُنْ	حتماً شما همه مردان بزنید	۵ـ لِتُضْرَبُنْ	البته باید شما همه مردان زده شوید
٣ـ اِضْرِبِنْ	حتماً تو یک زن بزن	۶ـ لِتُضْرَبِنْ	البته باید تو یک زن زده شوی

صرف امر غایب معلوم با نون خفیفه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
١ـ لِیَضْرِبَنْ	باید حتماً آن یک مرد بزند	۴ـ لِاَضْرِبَنْ	باید حتماً بزنم
٢ـ لِیَضْرِبُنْ	باید حتماً آن همه مردان بزنند	۵ـ لِنَضْرِبَنْ	باید حتماًبزنیم
٣ـ لِتَضْرِبَنْ	باید حتماً آن یک زن بزند		

صرف امر غایب مجهول با نون خفیفه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
١ـ لِیُضْرَبَنْ	باید حتماً آن یک مرد زده شود	۴ـ لِاُضْرَبَنْ	باید حتماً زده شوم
٢ـ لِیُضْرَبُنْ	باید حتماً آن همه مردان زده شوند	۵ـ لِنُضْرَبَنْ	باید حتماًزده شویم
٣ـ لِتُضْرَبَنْ	باید حتماً آن یک زن زده شود		

پرسش و تمرین

۱ـ روش ساخت امر حاضر را شرح دهید.
۲ـ اگر عین فعل مضارع مضموم باشد به همزهٔ وصل امر چه حرکتی داده می‌شود؟
۳ـ روش ساخت امر حاضر مجهول و غایب معلوم و مجهول را شرح دهید.
۴ـ در چه صورتی در اوّل مضارع همزه وصل مکسور می‌آوریم؟
۵ـ امر حاضر را از «تَسْمَعُ» بنا کنید.
۶ـ نوع امر و صیغه را در فعل‌های زیر مشخص کنید:
اُنْصُرِیْ ـ اُنْصُرْنَ ـ لِیَنْصُرْنَانِّ ـ لِنَنْصُرْ ـ لِاَنْصُرَنَّ ـ لِیُنْصَرَنَّ ـ لِتُنْصَرَنَّ.
۷ـ امر حاضر معلوم را با نون ثقیله صرف نمائید.
۸ـ تمام انواع فعل امر را در دفتر خویش نوشته و ترجمه کنید.
۹ـ «لام امر» و «لام تأکید» چه فرقی با هم دارند؟ توضیح دهید.

درس دهم

روش ساخت فعل نهی

فعل نهی از فعل مضارع ساخته می‌شود بدین طریق که «**لاَی**» نهی در اول فعل مضارع می‌آوریم و آن را نهی می‌سازیم. «**لاَی**» نهی بشرح زیر در فعل مضارع عمل می‌کند:

الف ـ آخر پنج صیغه را مانند «**لَمْ**» جازمه مجزوم می‌سازد. و اگر حرف آخر آن، حرف علّت باشد، آن را ساقط می‌کند.

بـ نون اعرابی را در هفت صیغه ساقط می‌کند و در دو صیغهٔ جمع مؤنث حاضر و جمع مؤنث غایب هیچ عمل لفظی نمی‌کند.

نون تأکید همانگونه که در آخر فعل مضارع می‌آید در آخر فعل نهی هم می‌آید.

صرف فعل نهی مخاطب معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لَاتَضْرِبْ	تو یک مرد نزن	۴ـ لَاتَضْرِبِیْ	تو یک زن نزن
۲ـ لَاتَضْرِبَا	شما دو مرد نزنید	۵ـ لَاتَضْرِبَا	شما دو زن نزنید
۳ـ لَاتَضْرِبُوْا	شما همه مردان نزنید	۶ـ لَاتَضْرِبْنَ	شما همه زنان نزنید

صرف فعل نهی مخاطب مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لَاتُضْرَبْ	تو یک مرد زده‌نشو	۴ـ لَاتُضْرَبِیْ	تو یک زن زده‌نشو
۲ـ لَاتُضْرَبَا	شما دو مرد زده‌نشوید	۵ـ لَاتُضْرَبَا	شما دو زن زده‌نشوید
۳ـ لَاتُضْرَبُوْا	شما همه مردان‌زده‌نشوید	۶ـ لَاتُضْرَبْنَ	شما همه زنان‌زده‌نشوید

صرف فعل نهی غایب معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
١ـ لاَیَضْرِبْ	بایدآن یک مرد نزند	۵ـ لاَتَضْرِبَا	باید آن دو زن نزنند
٢ـ لاَیَضْرِبَا	بایدآن دو مرد نزنند	۶ـ لاَیَضْرِبْنَ	بایدآن همه زنان نزنند
٣ـ لاَیَضْرِبُوْا	باید آن همه مردان نزنند	٧ـ لاَأَضْرِبْ	باید نزنم
۴ـ لاَتَضْرِبْ	بایدآن یک زن نزند	٨ـ لاَنَضْرِبْ	باید نزنیم

صرف فعل نهی غایب مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
١ـ لاَیُضْرَبْ	بایدآن یک مردزده نشود	۵ـ لاَتُضْرَبَا	باید آن دوزن زده نشوند
٢ـ لاَیُضْرَبَا	بایدآن دومرد زده نشوند	۶ـ لاَیُضْرَبْنَ	بایدآن همه زنان زده نشوند
٣ـ لاَیُضْرَبُوْا	بایدآن همه مردان زده نشوند	٧ـ لاَأُضْرَبْ	باید زده نشوم
۴ـ لاَتُضْرَبْ	بایدآن یک زن زده نشود	٨ـ لاَنُضْرَبْ	باید زده نشویم

صرف فعل نهی غایب معلوم مؤکّد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لاَتَضْرِبَنَّ	بایدتو یک مردنزنی	۴ـ لاَتَضْرِبَنَّ	بایدتو یک زن نزنی
۲ـ لاَتَضْرِبَانِّ	باید شما دو مرد نزنید	۵ـ لاَتَضْرِبَانِّ	باید شما دو زن نزنید
۳ـ لاَتَضْرِبُنَّ	باید شما همه مردان نزنید	۶ـ لاَتَضْرِبْنَانِّ	باید شما همه زنان نزنید

صرف فعل نهی مخاطب مجهول مؤکّد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لاَتُضْرَبَنَّ	بایدتو یک‌مردزده‌نشوی	۴ـ لاَتُضْرَبِنَّ	بایدتویک‌زن‌زده‌نشوی
۲ـ لاَتُضْرَبَانِّ	بایدشمادومردزده‌نشوید	۵ـ لاَتُضْرَبَانِّ	بایدشمادوزن‌زده‌نشوید
۳ـ لاَتُضْرَبُنَّ	بایدشماهمه‌مردان‌زده‌نشوید	۶ـ لاَتُضْرِبْنَانِّ	باید شما همه زنان‌زده نشوید

صرف فعل نهی غایب معلوم مؤکّد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لاَیَضْرِبَنَّ	بایدالبته آن‌یک مردنزند	۵ـ لاَتَضْرِبَانِّ	بایدالبته‌دوزن نزنند
۲ـ لاَیَضْرِبَانِّ	باید البته دو مرد نزنند	۶ـ لاَیَضْرِبْنَانِّ	باید البته زنان نزنند
۳ـ لاَیَضْرِبُنَّ	باید البته‌مردان نزنند	۷ـ لاَاَضْرِبَنَّ	بایدالبته نزنم
۴ـ لاَتَضْرِبَنَّ	باید البته یک زن نزند	۸ـ لاَنَضْرِبَنَّ	باید البته نزنیم

صرف فعل نهی غایب مجهول مؤکّد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لاَیُضْرَبَنَّ	باید البته یک مرد زده نشود	۵ـ لاَتُضْرَبَانِّ	بایدالبته‌دوزن زده‌نشوند
۲ـ لاَیُضْرَبَانِّ	باید البته دو مرد زده‌نشوند	۶ـ لاَیُضْرَبْنَانِّ	باید البته زنان زده‌نشوند
۳ـ لاَیُضْرَبُنَّ	باید البته‌مردان زده‌نشوند	۷ـ لاَاُضْرَبَنَّ	بایدالبته زده‌نشوم
۴ـ لاَتُضْرَبَنَّ	باید البته یک زن زده‌نشود	۸ـ لاَنُضْرَبَنَّ	باید البته زده‌نشویم

صرف فعل نهی مخاطب معلوم مؤكّد با نون خفيفه

صيغه	ترجمه
١ـ لاَتَضْرِبَنْ	بايد البته تو يک مردنزنی
٢ـ لاَتَضْرِبُنْ	بايد البته شما مردان نزنيد
٣ـ لاَتَضْرِبِنْ	بايد البته تو يک زن نزنی

صرف فعل نهی مخاطب مجهول مؤكّد با نون خفيفه

صيغه	ترجمه
١ـ لاَتُضْرَبَنْ	بايد البته تو يک مرد زده‌نشوی
٢ـ لاَتُضْرَبُنْ	بايد البته شما مردان زده‌نشويد
٣ـ لاَتُضْرَبِنْ	بايد البته تو يک زن زده‌نشوی

صرف فعل نهی غایب معلوم مؤکّد با نون خفیفه

صیغه	ترجمه
۱ـ لاَیَضْرِبَنْ	باید البته یک مرد نزند
۲ـ لاَیَضْرِبُنْ	باید البته مردان نزنند
۳ـ لاَتَضْرِبَنْ	بایدالبته یک زن نزند
۴ـ لاَاَضْرِبَنْ	باید البته نزنم
۵ـ لاَنَضْرِبَنْ	باید البته نزنیم

صرف فعل نهی غایب مجهول مؤکّد با نون خفیفه

صیغه	ترجمه
۱ـ لاَیُضْرَبَنْ	باید البته یک مرد زده‌نشود
۲ـ لاَیُضْرَبُنْ	باید البته مردان زده‌نشوند
۳ـ لاَتُضْرَبَنْ	بایدالبته یک زن زده‌نشود
۴ـ لاَاُضْرَبَنْ	باید البته زده‌نشوم
۵ـ لاَنُضْرَبَنْ	باید البته زده‌نشویم

پرسش و تمرین

۱ـ روش ساخت فعل نهی غایب را شرح دهید.

۲ـ «**لای**» نهی در فعل مضارع چه تغییری انجام می‌دهد؟

۳ـ آیا نون تأکید در آخر فعل نهی هم می‌آید؟

۴ـ از «**تَنْصُرُ**» فعل نهی مخاطب بسازید.

۵ـ در صیغه‌های زیر نوع نهی و نوع صیغه را مشخص سازید:

لاَتَنْصُرْ ـ لاَأَنْصُرْ ـ لاَتَنْصُرَنَّ ـ لاَيَنْصُرْنَانِّ ـ لاَتُنْصَرَنَّ

۶ـ فعل نهی غایب معلوم با نون ثقیله را صرف نمائید.

۷ـ همهٔ انواع فعل نهی را حفظ نموده، با ترجمه در دفتر تمرین خویش بنویسید.

۸ـ «لای نهی» و «لای نفی» چه فرقی با هم دارند؟ توضیح دهید.

درس یازدهم

روش ساخت اسم فاعل و اسم مفعول از «ثلاثی مجرّد»[1]

تعریف اسم فاعل: اسم فاعل به اسمی گفته می‌شود که بر کنندهٔ کار یا دارندهٔ حالتی دلالت کند مانند: **ضَارِبٌ** (زننده)، **کَرِیمٌ** (بزرگوار).

اسم فاعل از فعل مضارع معلوم با قوانین زیر ساخته می‌شود:

۱ـ علامت مضارع را حذف می‌کنیم.

۲ـ فاءالفعل را فتحه می‌دهیم.

۳ـ بین فاءالفعل و عین الفعل، الف (که علامت فاعل است) اضافه می‌نمائیم.

۴ـ لام الفعل را تنوین (که علامت اسم است) می‌دهیم.

مانند: **یَضْرِبُ ← ضَارِبٌ**

صرف اسم فاعل

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ ضَارِبٌ	یک مرد زننده	۴ـ ضَارِبَةٌ	یک زن زننده
۲ـ ضَارِبَانِ	دو مرد زننده	۵ـ ضَارِبَتَانِ	دو زن زننده
۳ـ ضَارِبُوْنَ	مردان زننده	۶ـ ضَارِبَاتٌ	زنان زننده

۱ـ ثلاثی مجرّد به کلماتی گفته می‌شود که فقط سه تا حرف اصلی داشته باشد و بس.

تعریف اسم مفعول: اسم مفعول اسمی است که بر کسی یا چیزی که فعل بر او واقع می‌شود، دلالت کند، مانند: **مَضْرُوْبٌ** (یک مرد زده‌شده) **مَنْصُوْرٌ** (یک مرد یاری‌شده)

اسم مفعول از فعل مضارع مجهول با قوانین زیر ساخته می‌شود:

۱ـ علامت مضارع را حذف می‌کنیم.

۲ـ میم مفتوح را به جای علامت مضارع اضافه می‌کنیم.

۳ـ عین‌الفعل را ضمه می‌دهیم.

۴ـ بین عین‌الفعل و لام‌الفعل، واو ساکنی اضافه می‌کنیم.

۵ـ لام‌الفعل را تنوین می‌دهیم. مانند: **يَضْرِبُ ← مَضْرُوْبٌ**

صرف اسم مفعول

صیغه	ترجمه
۱ـ مَضْرُوْبٌ	یک مرد زده‌شده
۲ـ مَضْرُوْبَانِ	دو مرد زده‌شده
۳ـ مَضْرُوْبُوْنَ	مردان زده‌شده
۴ـ مَضْرُوْبَةٌ	یک زن زده‌شده
۵ـ مَضْرُوْبَتَانِ	دو زن زده‌شده
۶ـ مَضْرُوْبَاتٌ	زنان زده‌شده

پرسش و تمرین

۱ـ اسم فاعل از چه فعلی ساخته می‌شود؟
۲ـ چگونگی ساخت اسم فاعل را شرح دهید.
۳ـ نحوهٔ ساختن اسم مفعول را شرح دهید.
۴ـ اسم فاعل و اسم مفعول را صرف نموده، حفظ نمائید.
۵ـ دو صیغهٔ اسم فاعل مؤنث و دو صیغهٔ اسم مفعول مؤنث بنویسید.
۶ـ معنی صیغه‌های زیر را بنویسید.

ضَارِبَانِ ضَارِبَةٌ مَضْرُوْبُوْنَ
مَضْرُوْبَاتٌ مَضْرُوْبٌ

۷ـ از یَنْصُرُ و یُنْصَرُ اسم فاعل و اسم مفعول بسازید و تمام صیغه‌های آنها را با ترجمه بنویسید.

درس دوازدهم

اسم ظرف زمان، مکان و اسم آله

ظرف زمان و مکان به اسمی گفته می‌شود که بر زمان وقوع فعل یا محل وقوع فعل دلالت نماید و آنرا از فعل مضارع بشرح ذیل می‌سازند:

۱ـ علامت مضارع را حذف می‌کنیم.

۲ـ بجای آن، میم مفتوح اضافه می‌نمائیم.

۳ـ اگر عین الفعل مضموم باشد آنرا فتحه می‌دهیم وگرنه بحال خود می‌گذاریم.

۴ـ لام الفعل صیغهٔ واحد را تنوین می‌دهیم.

صرف اسم ظرف

صیغه	ترجمه
۱ـ مَضْرَبٌ	یک جای یا یک زمان زدن
۲ـ مَضْرَبَان	دو جای یا دو زمان زدن
۳ـ مَضَارِبُ	جاها یا زمانهای زدن

اسم آله: اسمی است که بر واسطه و ابزار فعل و عملی دلالت کند و

از فعل مضارع به شرح زیر ساخته می‌شود:

۱ـ علامت مضارع را حذف می‌کنیم.

۲ـ بجای آن، میم مکسور می‌آوریم.

۳ـ در صورتیکه عین‌الکلمه مفتوح نباشد، آنرا فتحه می‌دهیم.

۴ـ روی لام‌الفعل تنوین‌می‌آوریم و اگر بعد از عین‌الفعل، الف آورده شود، یا بعد از لام‌الفعل حرف تا اضافه شود، دو صیغهٔ دیگر اسم آله که غالباً مطابق قیاس است به دست می‌آید.

صرف اسم آله

صیغه	ترجمه
۱ـ مِضْرَبٌ	یک آلهٔ زدن
۲ـ مِضْرَبَةٌ	یک آلهٔ زدن
۳ـ مِضْرَبَانِ	دو آلهٔ زدن
۴ـ مِضْرِبَتَانِ	دو آله زدن
۵ـ مَضَارِبُ	آله‌های زدن
۶ـ مِضْرَابٌ	یک آلهٔ زدن
۷ـ مَضْرابَانِ	دو آلهٔ زدن
۸ـ مَضَارِيْبُ	آله‌های زدن

پرسش و تمرین

۱ـ روش ساخت اسم ظرف زمان و مکان را شرح دهید.

۲ـ اسم آله چگونه ساخته می‌شود؟

۳ـ اسم ظرف دارای چند صیغه می‌باشد؟

۴ـ اسم آله چند صیغه دارد؟ توضیح دهید.

۵ـ اسم ظرف زمان و مکان و اسم آله را صرف نموده، در دفتر تمرین خویش با ترجمه بنویسید.

۶ـ از صیغه‌های زیر ظرف زمان و مکان و اسم آله را مشخص سازید:

مَحْضَرٌ ـ مِرْوَحَةٌ ـ مِفْتَاحٌ ـ مَطْبَخٌ ـ مِبْرَدٌ ـ مَقْصَدٌ ـ مَقَاصِدٌ.

۷ـ از **يَكْتُبُ** اسم آله بسازید و تمام صیغه‌های آن را با ترجمه بنویسید.

درس سیزدهم

اسم تفضیل: اسمی است که برای برتری دادن چیزی یا شخصی بر دیگری به کار می‌رود و از فعل مضارع به شرح زیر ساخته می‌شود:

اسم تفضیل مذکر را اینگونه می‌سازیم:

۱ـ علامت مضارع را حذف می‌کنیم.

۲ـ به جایش همزهٔ اسم تفضیل می‌آوریم.

۳ـ اگر عین‌الکلمه، مفتوح نباشد، آنرا فتحه می‌دهیم.

روش ساخت اسم تفضیل مؤنث

۱ـ پس از حذف علامت مضارع، فاءالفعل را ضمه می‌دهیم.

۲ـ عین الفعل را ساکن می‌کنیم.

۳ـ بعد از لام الفعل ـ الف مقصوره[1] ـ می‌آوریم.

۱ـ الف مقصوره به الفی گفته می‌شود که نوشتنش به صورت «ی» است و خواندنش به صورت الف باشد، مانند: موسیٰ.

صرف اسم تفضیل مذکر

صیغه	ترجمه
۱ـ اَضْرَبُ	یک مرد زننده‌تر
۲ـ اَضْرَبَانِ	دو مرد زننده‌تر
۳ـ اَضْرَبُوْنَ	مردان زننده‌تر
۴ـ اَضَارِبُ	مردان زننده‌تر

صرف اسم تفضیل مؤنث

صیغه	ترجمه
۱ـ ضُرْبیٰ	یک زن زننده‌تر
۲ـ ضُرْبَیَانِ	دو زن‌زننده‌تر
۳ـ ضُرْبَیَاتٌ	زنان زننده‌تر
۴ـ ضُرَبٌ	زنان زننده‌تر

پرسش و تمرین

۱ـ روش ساخت اسم تفضیل مذکر را شرح دهید.

۲ـ روش ساخت اسم تفضیل مؤنث را شرح دهید.

۳ـ اسم تفضیل مذکر چند صیغه دارد؟

۴ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:

ضُرْبَیَاتٌ ـ ضُرَبٌ ـ اَضَارِبُ ـ اَضْرَبُ

۵ـ از **یَکْتُبُ** اسم تفضیل مذکر و مؤنث بسازید و صیغه‌ها را با ترجمه آنها بنویسید.

تذکّر:

تا اینجا کتاب **میزان الصرف** به پایان رسید

دنباله آن کتاب **منشعب** تألیف "**ملاحمزه بدایونی**" هندی است که بنام خدا آغاز می‌کنیم.

درس چهاردهم

حروف اصلی و زائد، ثلاثی و رباعی

حروف بر دو گونه‌اند: اصلی و زائد.

حروف اصلی به حروفی گفته می‌شود که در مقابل سه حرف «فاو عین و لام» قرار داشته باشد.

تمام افعال متصرفه و اسمای معربه به دو قسم تقسیم می‌شوند:

۱ـ ثلاثی ۲ـ رباعی

ثلاثی یا سه حرفی آن است که فعل ماضی‌اش دارای سه حرف اصلی باشد. مانند: «**نَصَرَ، ضَرَبَ**»

ثلاثی بر دو نوع است: ۱ـ ثلاثی مجرد ۲ـ ثلاثی مزیدفیه.

ثلاثی مجرد آن است که صیغهٔ واحد مذکر غائب فعل ماضی آن دارای حرف زائد نباشد، مانند: «**ضَرَبَ، نَصَرَ**».

ثلاثی مزیدفیه آن است که صیغهٔ واحد مذکر غائب آن دارای حروف زاید باشد، مانند: «**اَکْرَمَ، ضَارَبَ**».

ثلاثی مجرد بر دو قسم است: یکی قیاسی یا مطّرد که اوزان بیشتر دارد، دوّم: شاذ و خلاف قیاس که اوزانش کمتر هستند.

پرسش و تمرین

۱ـ حروف اصلی و زاید چگونه شناخته می‌شوند؟ توضیح دهید.
۲ـ اقسام افعال متصرفه و اسمای معربه را بیان نمائید.
۳ـ ثلاثی و رباعی را تعریف نمائید.
۴ـ اقسام ثلاثی و رباعی را بیان نمائید.
۵ـ در کلمات ذیل ثلاثی و نوع آن را مشخص سازید:
شَرِیْفٌ ـ مَضْرُوْبٌ ـ یُکْرِمُ ـ ضَارَبَ.
۶ـ ثلاثی مجرد قیاسی و شاذ را تعریف کنید.

درس پانزدهم

ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۱)

ثلاثی مجرد قیاسی دارای پنج باب می‌باشد:

باب اوّل: بر وزن «**فَعَلَ يَفْعُلُ**» با فتح عین در ماضی و ضمّهٔ آن در مستقبل، مانند: «**اَلنَّصْرُ وَ اَلنُّصْرَةُ**» یاری نمودن که تصریفش به شرح زیر است:

نَصَرَ .... ماضی معلوم

يَنْصُرُ .... مضارع معلوم

نَصْراً .... مصدر

فهو ـ نَاصِرٌ .... اسم فاعل

و ـ نُصِرَ .... ماضی مجهول

يُنْصَرُ .... مضارع مجهول

نَصْراً .... مصدر

فذاک ـ مَنْصُوْرٌ .... اسم مفعول

ألامر ـ أُنْصُرْ .... امر

و النهی ـ لاَتَنْصُرْ .... نهی

ألظرف ـ مَنْصَرٌ، مَنْصَرَان، مَنَاصِرُ.

و الآلة ـ مِنْصَرٌ، مِنْصَرَةٌ، مِنْصَارٌ، مِنْصَرَانِ، مَنَاصِرُ.

أفعل التفضيل ـ اَنْصَرُ، اَنْصَرَان، اَنْصَرُوْنَ، اَنَاصِرُ (اسم تفضیل مذکر)

نُصْرىٰ، نُصْرَيَانِ، نُصْرَيَاتٌ، نُصَرٌ (اسم تفضيل مؤنث)

و از همين باب است:

أَلطَّلَبُ: جستن

أَلدُّخُوْلُ: درآمدن

أَلْقَتْلُ: كشتن

أَلْفَتْلُ: تافتن

باب دوّم: بروزن «**فَعَلَ يَفْعِلُ**» با فتح عين در ماضى و كسر آن در مستقبل، مانند: «**أَلضَّرْبُ وَ الضَّرْبَةُ**» زدن و رفتن برروى زمين و بيان كردن، تصريفش چنين است:

ضَرَبَ .... ماضى معلوم

يَضْرِبُ .... مضارع معلوم

ضَرْباً .... مصدر

فهو ـ ضَارِبٌ .... اسم فاعل

و ـ ضُرِبَ .... ماضى مجهول

يُضْرَبُ .... مضارع مجهول

ضَرْباً .... مصدر

فذاك ـ مَضْرُوْبٌ .... اسم مفعول

الامر ـ اِضْرِبْ .... امر

و النهى ـ لاَتَضْرِبْ .... نهى

الظرف ـ مَضْرَبٌ، مَضْرَبَانِ، مَضَارِبُ.

و الآلة ـ مَضْرَبٌ، مِضْرَبَةٌ، مِضْرَابٌ، مِضْرَبَانِ، مَضَارِيْبُ (همهٔ انواع اسم آله)

افعل التفضيل ـ أَضْرَبُ، أَضْرَبَانِ، أَضْرَبُوْنَ، أَضَارِبُ (اسم تفضيل مذكر) **ضُرْبىٰ، ضُرْبَيَانِ، ضُرْبَيَاتٌ، ضُرَبٌ** (اسم تفضيل مؤنث)

و از همين باب است:

اَلْغَلْبُ: غلبه كردن

اَلظُّلْمُ: ستم كردن

اَلْفَصْلُ: جدا كردن

اَلْغَسْلُ: شستن

پرسش و تمرین

۱ـ ثلاثی مجرد قیاسی چند باب دارد؟

۲ـ وزن باب اوّل را مشخص سازید.

۳ـ **اَلضَّرَبُ و اَلضَّرْبَةُ** بر چند معنی مستعمل می‌شود و در چه مواردی به کار می‌رود؟

۴ـ باب دوّم را از مصدر «**اَلْغَسْلُ**» و باب اوّل را از مصدر «**اَلطَّلَبُ**» صرف نمائید.

۵ـ **اَلْفَصْلُ و اَلْقَتْلُ** از چه بابی هستند؟ مشخص سازید.

۶ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:

لاَتَنْصُرْ ـ مِنْصَرَانِ ـ نُصْرَيَاتٌ ـ مِنْصَارٌ ـ ظُلْمىٰ ـ مَغْلُوْبٌ ـ اَغْلَبُ فُضْلىٰ ـ مَقْتُوْلٌ ـ قُتَلٌ.

۷ـ اسم آله را از مصدر «**اَلطَّلَبُ**» و اسم تفضیل مذکر را از مصدر «**اَلظُّلْمُ**» در دفتر تمرین خود بنویسید.

۸ـ صیغه‌های عربی را بنویسید.

یک زن یاری‌کننده ـ تو یک مرد واردشو ـ دو مرد مورد ستم قرار گرفته تو یک مرد ستم نکن ـ یک زن ستمکارتر ـ زنان کشته‌شده

درس شانزدهم

ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۲)

باب سوّم: بر وزن «**فَعِلَ يَفْعَلُ**» با کسر عین در ماضی و فتح آن در مستقبل، مانند: «**اَلسَّمْعُ وَ السِّمَاعُ**» شنیدن و گوش فراداشتن، تصریفش چنین است:

سَمِعَ .... ماضی معلوم

يَسْمَعُ .... مضارع معلوم

سَمْعاً .... مصدر

فهو ـ سَامِعٌ .... اسم فاعل

و ـ سُمِعَ .... ماضی مجهول

يُسْمَعُ .... مضارع مجهول

سَمْعاً .... مصدر

فذاک ـ مَسْمُوْعٌ .... اسم مفعول

الامر ـ اِسْمَعْ .... امر

و النهی ـ لاتَسْمَعْ .... نهی

الظرف ـ مَسْمَعٌ، مَسْمَعَانِ، مَسَامِعُ، (مفرد، تثنیه، جمع)

و الآلة ـ مِسْمَعٌ، مِسْمَعَةٌ، مِسْمَاعٌ، مِسْمَعَانِ، مَسَامِيْعُ (انواع اسم آله)

افعل التفضیل ـ اَسْمَعُ، اَسْمَعَانِ، اَسْمَعُوْنَ، اَسَامِعُ (اسم تفضیل مذکر)

سُمْعىٰ، سُمْعَيَانِ، سُمْعَيَاتٌ، سُمَعٌ (اسم تفضیل مؤنث)

و از همین باب است:

اَلْعِلْمُ: دانستن

اَلْفَهْمُ: دریافتن

اَلْحِفْظُ: نگاهداشتن

اَلشَّهَادَةُ: گواهی دادن

اَلْحَمْدُ: ستودن

اَلْجَهْلُ: نداستن

باب چهارم: بر وزن «**فَعَلَ یَفْعَلُ**» با فتح عین در ماضی و مضارع، مانند: «**اَلْفَتْحُ**»: گشودن و فتح‌کردن کشوری

تصریفش چنین است:

فَتَحَ .... ماضی معلوم

یَفْتَحُ .... مضارع معلوم

فَتْحاً .... مصدر

فَهو ـ فَاتِحٌ .... اسم فاعل

و ـ فُتِحَ .... ماضی مجهول

یُفْتَحُ .... مضارع مجهول

فَتْحاً .... مصدر

فذاک ـ مَفْتُوْحٌ .... اسم مفعول

الامر ـ اِفْتَحْ .... امر

و النهی ـ لاَتَفْتَحْ .... نهی

الظرف ـ مَفْتَحٌ، مَفْتَحَانِ، مفاتحُ

والآلة ـ مِفْتَحٌ، مِفْتَحَةٌ، مِفْتَاحٌ، مِفْتَحَانِ، مَفَاتِيحُ.

افعل التفضيل ـ اَفْتَحُ، اَفْتَحَانِ، اَفْتَحُوْنَ، اَفَاتِحُ (اسم تفضيل مذکر)

فُتْحیٰ، فُتْحَيَانِ، فُتْحَيَاتٌ، فُتَحٌ (اسم تفضیل مؤنث).

و از همین باب است:

اَلْمَنْعُ: بازداشتن

اَلصَّبْغُ: رنگ کردن

اَلرَّهْنُ: گروداشتن

اَلسَّلْخُ: پوست کشیدن

تذکر: هر فعلی که بر این وزن می آید مشروط است بر این‌که در مقابل عین الفعل و یا لام الفعل آن، حرفی از حروف شش‌گانهٔ حلقی داشته باشد، به استثنای دو باب «**رَكَنَ يَرْكَنُ**» و «**أَبیٰ يَأْبیٰ**» که به صورت شاذ و خلاف قیاس می آیند.

حرف حلقی شش بود ای نور عین

همزه، هاء و حاء و خاء و عین و غین

پرسش و تمرین

۱ـ وزن باب سوّم و چهارم را مشخص سازید.
۲ـ مصدر «اَلشَّهادَةُ» از کدام باب است؟
۳ـ فعلی که بر وزن «فَعَلَ يَفْعَلُ» می آید باید دارای چه شرطی باشد؟
۴ـ حروف حلقی چند تا هستند؟ آنها را نام ببرید
۵ـ مصدر «اَلرَّهْنُ» و «اَلسَّلْخُ» را از باب چهارم صرف نمائید.
۶ـ «اَلصَّبْغُ» و «اَلْجَهْلُ» از چه بابهایی هستند؟ مشخص نمائید.
۷ـ اسم تفضیل و اسم آلهٔ مصدرهای «اَلْعِلْمُ» و «اَلْحَمْدُ» را توضیح دهید.

۸ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
مَحْفُوْظٌ، مَسْلَخٌ، اَفْهَمُوْنَ، لاَتَجْهَلْ، اَمَانِعُ، جُهْلَيَاتٌ

۹ـ صیغه‌های شماره‌های زیر را از فعل جحد معلوم از مصدر «العلم» بنویسید: ۴ـ ۹ـ ۱۳ـ ۶ـ ۸ـ ۱۱ـ ۷

درس هفدهم

ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۳)

باب پنجم: بر وزن «**فَعُلَ يَفْعُلُ**» با ضمهٔ عین در ماضی و مضارع مانند: «**اَلْكَرْمُ و الْكَرَامَةُ**» بزرگوارشدن، تصریفش چنین است:

كَرُمَ .... ماضی معلوم

يَكْرُمُ .... مضارع معلوم

كَرْماً وَّ كَرَامَةً .... مصدر

فهو ـ كَرِيْمٌ .... اسم فاعل

الامر ـ اُكْرُمْ .... امر

و النهی ـ لاَتَكْرُمْ .... نهی

الظرف – مَكْرَمٌ، مَكْرَمَانِ، مَكَارِمُ

و الآلة – مِكْرَمٌ، مِكْرَمَةٌ، مِكْرَامٌ، مِكْرَمَانِ، مَكَارِيْمُ

افعل التفضيل – اَكْرَمُ، اَكْرَمَانِ، اَكْرَمُوْنَ، اَكَارِمُ (اسم تفضیل مذکر)

كُرْمىٰ، كُرْمَيَانِ، كُرْمَيَاتٌ، كُرَمٌ (اسم تفضیل مؤنث)

و از همین باب است:

اَللُّطْفُ وَ اَللَّطَافَةُ: پاکیزه‌شدن

اَلْقُرْبُ: نزدیک‌شدن

اَلْبُعْدُ: دورشدن

اَلْكَثْرَةُ:بسیارشدن

تذکّر: این باب، لازم است (یعنی مجهول و مفعول ندارد) و اسم فاعل آن، عموماً بر وزن «**فَعِیْلٌ**» می آید.

پرسش و تمرین

۱ـ وزن باب پنجم را مشخص سازید.

۲ـ ماضی «**اَلْكَثْرَةُ**» و «**اَللَّطَافَةُ**» را از باب پنجم صرف نمائید.

۳ـ آیا باب پنجم اسم مفعول و مضارع مجهول دارد؟

۴ـ اسم فاعل باب «**فَعُلَ يَفْعُلُ**» بر چه وزنی می آید؟

۵ـ اسم تفضیل مؤنث و اسم ظرف مصدر «**اَلْقُرْبُ**» و «**اَلْبُعْدُ**» را بنویسید.

۶ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:

قُرْبَيَانِ، بَعِيْدَةٌ، كُرْمىٰ، كُثَرٌ، مِلْطَفَةٌ

۷ـ ماضی مجهول و اسم مفعول را از باب «**اَلْكَثْرَةُ**» صرف کنید.

۸ـ صیغه‌های زیر را ترجمه کنید:

مَكَاثِرُ	**أُلْطُفِى**	**مِبْعَدُ**
قُرْبَيَاتٌ	**لَاتَقْرَبَا**	

درس هجدهم

ابواب شاذ ثلاثی مجرد **(۱)**

ثلاثی مجردی که به صورت شاذ و خلاف قانون می‌آید و اوزانش اندک هستند، از سه باب می‌آید.

باب اوّل: بر وزن **«فَعِلَ يَفْعِلُ»** باکسرۀ عین در ماضی و مضارع، مانند: **«اَلْحَسْبُ وَ الْحِسْبَانُ»** پنداشتن و گمان بردن، که تصریفش به شرح زیر می‌باشد:

حَسِبَ .... ماضی معلوم

يَحْسِبُ .... مضارع معلوم

حَسْباً وَّ حِسْبَاناً .... مصدر

فهو - حَاسِبٌ .... اسم فاعل

و - حُسِبَ .... ماضی مجهول

يُحْسَبُ .... مضارع مجهول

حَسْباً وَّ حِسْبَاناً .... مصدر

فذاک - مَحْسُوْبٌ .... اسم مفعول

الامر - اِحْسِبْ .... امر

والنهی - لَاتَحْسِبْ .... نهی

الظرف - مَحْسَبٌ، مَحْسَبانِ، مَحَاسِبُ.

والآلة – مِحْسَبٌ، مِحْسَبَةٌ، مِحْسَابٌ، مِحْسَبَانِ، مَحَاسِيْبُ
افعل التفضيل – اَحْسَبُ، اَحْسَبَانِ، اَحْسَبُوْنَ، اَحَاسِبُ (مذکر)
حُسْبیٰ، حُسْبَيَانِ، حُسْبَيَاتٌ، حُسَبٌ (مؤنث)

تذکر: این باب فقط دارای دو مورد صحیح است و بجز آن دو مورد، صحیحی دیگر از این باب نیامده است که عبارتند از:

«حَسِبَ يَحْسِبُ» و **«نَعِمَ يَنْعِمُ»** مانند: **«اَلنَّعْمُ وَ النَّعْمَةُ»** خوش عیش شدن و آسایش یافتن.

باب دوّم: بر وزن **«فَعِلَ يَفْعُلُ»** با کسر عین در ماضی و ضمّ آن در مضارع، مانند: **«اَلْفَضْلُ»**: افزون شدن و غلبه کردن

تصریفش به شرح زیر است:

فَضِلَ .... ماضی معلوم
يَفْضُلُ .... مضارع معلوم
فَضْلاً .... مصدر
فهو – فَاضِلٌ .... اسم فاعل
و – فُضِلَ .... ماضی مجهول
يُفْضَلُ .... مضارع مجهول
فَضْلا .... مصدر
فذاک – مَفْضُوْلٌ .... اسم مفعول
ألامر – أُفْضُل .... امر
والنهی – لاَتَفْضُلْ .... نهی

الظرف - مَفْضَلٌ، مَفْضَلَانِ، مَفَاضِلُ
والآلة - مِفْضَلٌ، مِفْضَلَةٌ، مِفْضَالٌ، مَفَاضِيْلُ
افعل التفضيل - اَفْضَلُ، اَفْضَلاَنِ، اَفْضَلُوْنَ، اَفَاضِلُ: مذكر
فُضْلىٰ، فُضْلَيَانِ، فُضْلَيَاتٌ، فُضَلٌ: مؤنث
و از همین باب است: «**اَلْحُضُوْرُ**»: حاضر شدن

تذکر: از این باب فقط یک مورد صحیح آمده است که همان «**فَضِلَ يَفْضُلُ**» است، ولی بعضی از علمای صرف، «**حَضِرَ يَحْضُرُ**» و «**نَعِمَ يَنْعُمُ**» را نیز از همین باب شمرده‌اند.

پرسش و تمرین

۱ـ اوزان ابواب ثلاثی مجرد شاذ را مشخص سازید.
۲ـ باب اوّل دارای چند مورد صحیح می‌باشد؟
۳ـ کدام باب فقط یک مورد صحیح دارد؟
۴ـ مصدر «الحضور» را از باب دوّم صرف نمائید.
۵ـ اسم آله و اسم ظرف مصدر «النعم» را بنویسید.
۶ـ اسم فاعل باب «**حَسِبَ يَحْسِبُ**» را نوشته، ترجمه نمائید.
۷ـ صیغه‌های شماره‌های زیر را از فعل مضارع منفی مجهول از باب اوّل نوشته ترجمه نمائید. ۳ - ۱۲ - ۶ - ۹ - ۴ - ۱
۸ـ به عربی ترجمه کنید:
یک زن حاضر شد - باید یک مرد حاضر شود - هرگز نخواهیم حاضر شد - آن یک زن حاضر نخواهد شد - مردان حاضر شونده

درس نوزدهم

ابواب شاذ ثلاثی مجرد (۲)

باب سوّم: بر وزن «**فَعُلَ يَفْعَلُ**» با ضم عین در ماضی و فتح آن در مضارع، مانند «**اَلْكَوْدُ وَ الْكَيْدُوْدَةُ**» خواستن و نزدیک‌شدن.

تصریفش چنین است:

كَادَ .... ماضی معلوم

يَكَادُ .... مضارع معلوم

كَوْداً وَّ كَيْدُوْدَةً .... مصدر

فهو - كَائِدٌ .... اسم فاعل

و - كِيْدَ .... ماضی مجهول

يُكَادُ .... مضارع مجهول

كَوْداً وَّ كَيْدُوْدَةً .... مصدر

فذاک - مَكُوْدٌ .... اسم مفعول

الامر - كَدْ .... امر

والنهی - لاَتَكَدْ .... نهی

الظرف - مَكَادٌ، مَكَادَانِ، مَكَاوِدُ

والآلة - مِكْوَدٌ، مِكْوَدَةٌ، مِكْوَادٌ، مِكْوَدَانِ، مَكَاوِيْدُ

افعل التفضيل - اَكْوَدُ، اَكْوَدَانِ، اَكْوَدُوْنَ، اَكَاوِدُ: مذکر

كُوْدٰى، كُوْدَيَانِ، كُوْدَيَاتٌ، كُوَدٌ: مؤنث

تذکر:

۱ـ هر فعل ماضی که مضموم العین باشد، مستقبل او نیز مضموم العین می آید، مگر معتل واوی که در مقابل عین الفعل آن، حرف «واو» باشد، مانند همین «**كَادَ يَكَادُ**».

۲ـ **كُدْتُّ** در اصل **كَوُدْتَ** بود، ضمه بر واو ثقیل بود، آنرا نقل نموده، به ما قبل دادند. واو پس از دادن حرکت به ماقبل، به علّت اجتماع ساکنین افتاد، آنگاه «دال» را به «تا» تبدیل کردند، «تا» را در «تا» ادغام نمودند، «**كُدْتُّ**» شد.

يَكَادُ هم در اصل **يَكْوَدُ** بود، حرکت واو را نقل نموده، به ماقبل دادند، واو را به مناسبت فتحه به الف تبدیل کردند، «**يَكَادُ**» شد.

پرسش و تمرین

۱ـ «يَكَادُ» در اصل خويش چه بوده است و چگونه يَكَادُ شده؟ توضيح دهيد.

۲ـ «كُدْتً» در اصل چه بوده و چگونه «كُدْتً» شده است؟

۳ـ فعل امر «كَاد يَكَادُ» را با ترجمه‌اش بنويسيد؟

۴ـ مضارع مجهول «يَكَادُ» را صرف نمائيد.

۵ـ نوع صيغه‌های زير را مشخص سازيد:

كِيْدَا، كُوْدِيْ، كُوَدٌ، لِيَكَادَنَّ

۶ـ صيغه شماره‌های ۳ - ۵ - ۲ - ۶ از اسم فاعل و اسم مفعول را از باب سوم نوشته ترجمه كنيد.

۷ـ به عربی ترجمه كنيد:

آن مردان خواستند - تو يک زن نخواهی - خواسته نشده‌ام - يک آله خواستن - جاها يا زمانهای خواستن

درس بیستم

ابواب ثلاثی مزیدفیه (۱)

ثلاثی مزید فیه بردوگونه است: یکی آنکه ملحق به رباعی باشد، دوّم آنکه ملحق به رباعی نباشد، آن نوعی که ملحق به رباعی نیست نیز بر دو قسم است: یکی آنکه دارای همزهٔ وصل باشد، دیگر آنکه دارای همزهٔ وصل نیست. آنکه همزهٔ وصل را می‌پذیرد، نُه (۹) باب دارد:

باب اوّل: بر وزن **«اِفْتِعَالٌ»** مانند: **«اَلْاِجْتِنَابُ»** دوری جستن، تصریفش به شرح زیر می‌باشد:

اِجْتَنَبَ .... ماضی معلوم

يَجْتَنِبُ .... مضارع معلوم

اِجْتِنَاباً .... مصدر

فهو – مُجْتَنِبٌ .... اسم فاعل

و – اُجْتُنِبَ .... ماضی مجهول

يُجْتَنَبُ .... مضارع مجهول

اِجْتِنَاباً .... مصدر

فذاک – مُجْتَنَبٌ .... اسم مفعول

الامر – اِجْتَنِبْ .... امر

و النهی – لَاتَجْتَنِبْ .... نهی

و از همین باب است:

أَلْاِقْتِبَاسُ: فراگرفتن و استفاده نمودن

أَلْاِقْتِنَاصُ: صیدکردن

أَلْاِلْتِمَاسُ: جستن

أَلْاِعْتِزَالُ: یکسوشدن

أَلْاِحْتِمَالُ: حمل نمودن و برداشتن

أَلْاِخْتِطَافُ: ربودن

تذکّر:

ابواب مزید، اسم آله ندارند و اسم ظرفشان بر وزن اسم مفعول خواهد آمد.

باب دوّم: بروزن «**اِسْتِفْعَالٌ**»، مانند: «**أَلْاِسْتِنْصَارُ**»: طلب یاری کردن، تصریفش چنین است:

اِسْتَنْصَرَ .... ماضی معلوم

يَسْتَنْصِرُ .... مضارع معلوم

اِسْتِنْصَاراً .... مصدر

فهو - مُسْتَنْصِرٌ .... اسم فاعل

و - أُسْتُنْصِرَ .... ماضی مجهول

يُسْتَنْصَرُ .... مضارع مجهول

اِسْتِنْصاراً .... مصدر

فذاک – مُسْتَنْصَرٌ .... اسم مفعول

ألامر – اِسْتَنْصِرْ .... امر

و النهی – لاتَسْتَنْصِرْ .... نهی

و از همین باب است:

أَلْاِسْتِغْفَارُ: آمرزش خواستن

أَلْاِسْتِنْفَارُ: رمیدن و رماندن

أَلْاِسْتِفْسَارُ: پرسیدن

أَلْاِسْتِخْلَافُ: خلیفه گرفتن و جانشین اعلام کردن

أَلْاِسْتِمْتَاعُ: بهره گرفتن، برخورداری گرفتن از کسی یا چیزی

تذکّر:

این هر دو باب هم به معنی لازم و هم به معنی متعدی مستعمل می‌شوند.

پرسش و تمرین

۱ـ ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی نیست دارای چند قسم می‌باشد؟
۲ـ فعل مضارع مجهولِ باب **«اقتباس»** را صرف نمائید.
۳ـ فعل امر مصدر **«اعتزال»** و **«التماس»** را صرف نمائید.
۴ـ ماضی مجهول مصدر **«استخلاف»** و **«اِسْتِمْتَاع»** را صرف نمائید.
۵ـ ماضی معلوم مصدر **«استغفار»** را با ترجمه آن در دفتر خویش بنویسید.
۶ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص و آنها را ترجمه کنید:
مُسْتَنْصِرُوْنَ، اُسْتُخْلِفْتُمْ، مُعْتَزِلَةٌ، تَخْتَلِفوْنَ، اِقْتَنَصُوْا، اِقْتَبَسْنَا، يَسْتَفْسِرُوْنَ

۷ـصیغه شماره‌های ۸ – ۴ – ۳ – ۹ – ۱۱ – ۱۴ –و ۱۰ از مصدرهای: الاختلاف، الاعتزال و الاقتناص فعل مضارع معلوم را نوشته ترجمه کنید.

درس بیست و یکم

ابواب ثلاثی مزیدفیه (۲)

باب سوّم: بر وزن «**اِنْفِعَالٌ**»، مانند: «**أَلْاِنْفِطَارُ**»: شکافته شدن. هر فعلی که بر این وزن آید، لازم می‌شود.

تصریفش به شرح زیر می‌باشد:

اِنْفَطَرَ .... ماضی معلوم

يَنْفَطِرُ .... مضارع معلوم

اِنْفِطَاراً .... مصدر

فهو - مُنْفَطِرٌ .... اسم فاعل

ألامر - اِنْفَطِرْ .... امر

و النهی - لاتَنْفَطِرْ .... نهی

و از همین باب است:

أَلْاِنْصِرَافُ: بازگشتن

أَلْاِنْقِلَابُ: واژگون‌شدن

أَلْاِنْخِفَافُ: سبک‌شدن

أَلْاِنْشِعَابُ: شاخ شاخ‌شدن (منشعب شدن)

باب چهارم: بر وزن «**اِفْعِلَالٌ**» مانند: «**اَلْاِحْمِرَارُ**»: سرخ و قرمزشدن، و این باب هم لازم است که تصریفش چنین است:

اِحْمَرَّ .... ماضی معلوم

يَحْمَرُّ .... مضارع معلوم

اِحْمِرَاراً .... مصدر

فهو - مُحْمَرٌّ .... اسم فاعل

الامر - اِحْمَرَّ، اِحْمَرِّ، اِحْمَرِرْ .... امر

و النهی - لاَتَحْمَرَّ، لاَتَحْمَرِّ، لاَتَحْمَرِرْ .... نهی

و از همین باب است:

أَلْاِخْضِرَارُ: سبز رنگ‌شدن

أَلْاِصْفِرَارُ: زرد رنگ‌شدن

أَلْاِغْبِرَارُ: غبار آلودشدن

أَلْاِبْلَقَاقُ: ابلق رنگ شدن

پرسش و تمرین

۱ـ باب «**انفعال**» لازم است یا متعدی؟
۲ـ اسم فاعل باب «**انفطار**» را صرف نمائید.
۳ـ مضارع معلوم باب «**انقلاب**» و «**انشعاب**» را صرف نمائید.
۴ـ باب «**افعلال**» لازم است یا متعدی؟
۵ـ ماضی معلوم مصدر «**اخضرار**» را با ترجمهٔ آن بنویسید.
۶ـ نهی مصدر «**ابلقاق**» و «**اصفرار**» را صرف نمائید.
۷ـ صیغه‌های زیر را ترجمه نمائید.
مُنْفَطِرُوْن، يَنْفَطِرْنَ، اِنْقَلَبْتُمْ، يَحْمَرُّ، مُنْشَعِبَةٌ، اِغْبَرُّوْا، يَنْصَرِفَانِ
۸ـ صیغه شمارهای: ۳ – ۷ – ۱۱ – ۸ – ۱۴ – ۶ فعل مضارع معلوم از باب الاصفرار و ماضی معلوم از باب: الانقلاب را نوشته ترجمه کنید.

درس بیست و دوّم

ابواب ثلاثی مزیدفیه (۳)

باب پنجم: بر وزن «**اِفْعِيْلَالٌ**»، مانند: «**اَلْاِدْهِيْمَامُ**»: سیاه و تیره‌شدن، این باب هم لازم است و تصریفش چنین است:

اِدْهَامَّ .... ماضی معلوم

يَدْهَامُّ .... مضارع معلوم

اِدْهِيْمَاماً .... مصدر

فهو - مُدْهَامٌّ .... اسم فاعل

الامر - اِدْهَامَّ، اِدْهَامِّ، اِدْهَامِمْ .... امر

والنهی - لَاتَدْهَامَّ، لَاتَدْهَامِّ، لَاتَدْهَامِمْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلْاِسْمِيْرَارُ: گندم‌گون شدن

اَلْاِكْمِيْتَابُ: کمیت شدن است (کمیت: اسبی که رنگش بین سیاهی و سرخی باشد)

اَلْاِشْهِيْبَابُ: سفیدشدن اسب

اَلْاِصْحِيْرَارُ: خشک‌شدن گیاه

اَلْاِسْحِيْرَارُ: همرازشدن

باب ششم: بر وزن «**اِفْعِیْعَالٌ**»، مانند: «**أَلْاِخْشِیْشَانُ**»: درشت و خشن شدن، تصریفش به شرح زیر می‌باشد:

اِخْشَوْشَنَ .... ماضی معلوم

یَخْشَوْشِنُ .... مضارع معلوم

اِخْشِیْشَاناً .... مصدر

فهو – مُخْشَوْشِنٌ .... اسم فاعل

الامر – اِخْشَوْشِنْ .... امر

و النهی ـ لاَتَخْشَوْشِنْ .... نهی

و از همین باب است:

أَلْاِخْرِیْرَاقُ: پاره‌شدن جامه و پیراهن

أَلْاِخْلِیْلَاقُ: کهنه شدن پیراهن

أَلْاِمْلِیْلَاحُ: شورشدن آب

أَلْاِحْدِیْدَابُ: کوژپشت شدن

این باب هم لازم است و در قرآن مجید نیامده است.

پرسش و تمرین

۱ـ از باب «**افعیلال**» و «**افعیعال**»، کدام یک لازم و کدام یک متعدی است؟

۲ـ مضارع معلوم از مصدر «**اکمیتات**» و «**اسحیرار**» را صرف کنید.

۳ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:

اِدْهَامَّتْ، مُدْهَامَّتان، يَخْرَوْرِقْنَ، اِمْلَوْلِحَا، مُحْدَوْدِبَةٌ

۴ـ اسم فاعل «**اخلیلاق**» و «**احدیداب**» را صرف نموده، ترجمه کنید.

۵ـ به عربی ترجمه کنید:

آن دو زن تیره و سیاه شدند – تو گندم‌گون شدی.

آن مرد کوژ پشت شد – شما دو مرد سیاه نشوید.

درس بیست و سوّم

ابواب ثلاثی مزیدفیه (۴)

باب هفتم: بر وزن «**اِفْعِوَّالٌ**»، مانند: «**اَلْاِجْلِوَّاذُ**»: شتافتن شتر،

تصریفش چنین است:

اِجْلَوَّذَ .... ماضی معلوم

یَجْلَوِّذُ .... مضارع معلوم

اِجْلِوَّاذاً .... مصدر

فهو - مُجْلَوِّذٌ .... اسم فاعل

الامر - اِجْلَوِّذْ .... امر

والنهی - لاَتَجْلَوِّذْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلْاِخْرِوَّاطُ: تراشیدن چوب

اَلْاِعْلِوَّاطُ: قلاده و گردن‌بند به گردن شتر بستن، چنانکه گفته می‌شود:

اِعْلَوَّطَ الْبَعِیْرُ اِذَا تَعَلَّقَ بِعُنُقِهِ قَلاَدَةً.

این باب هم لازم است و در قرآن مجید نیامده است.

باب هشتم: بر وزن «**اِفّاعُلٌ**»، مانند: «**اَلْاِثَّاقُلُ**»: گران‌بار و سنگین‌شدن

و خویش را سنگین‌بار ساختن، تصریفش چنین است:

اِثّاقَلَ .... ماضی معلوم

یَثّاقَلُ .... مضارع معلوم

اِثّاقُلاً .... مصدر

فهو - مُثّاقِلٌ .... اسم فاعل

الامر - اِثّاقَلْ .... امر

والنهی - لاَتَثّاقَلْ .... نهی

و از همین باب است:

أَلْاِدّارُکُ:در رسیدن و فهمانیدن

أَلْاِسّاقُطُ:افتادن

أَلْاِشّابُهُ:هم‌شکل و هم‌قیافه شدن

أَلْاِصّالُحُ:با یکدیگر آشتی کردن

باب نهم: بر وزن «**اِفَّعُّلٌ**»، مانند: «**أَلْاِطَّهُّرُ**»: پاک شدن،

تصریفش چنین است:

اِطَّهَّرَ .... ماضی معلوم

یَطَّهَّرُ .... مضارع معلوم

اَطَّهُّراً .... مصدر

فهو - مُطَّهِّرٌ .... اسم فاعل

ألامر - اِطَّهِّرْ .... امر

و النهی – لاَتَطَّهَّرْ .... نهی

و از همین باب است:

أَالْاِزَّمُّلُ:جامه بر سرکشیدن

أَلْاِضَّرُّعُ:زاری کردن

أَلْاِجَّنُّبُ:دورشدن

أَلْاِذَّكُّرُ:پندپذیرفتن و یادکردن

تذکّر: اصل باب «**اِفَّاعُلٌ**» و «**اِفَّعُّلٌ**»، **تَفَاعُلٌ و تَفَعُّلٌ** بوده، «تا» را به «فا» بدل کردند، «فا» را به مناسبت مجانست در مخرج، در «فا» ادغام نمودند، سپس همزهٔ وصل مکسور در اوّل آن درآوردند تا ابتدا به سکون لازم نیاید، آنگاه «**اِفَّاعُلٌ**» و «**اِفَّعُّلٌ**» شد.

پرسش و تمرین

۱ـ باب «**اِفْعِوّالٌ**» را از مصدر «**اِخْرِوّاطٌ**» صرف نمائید.

۲ـ اصل باب «**اِفّاعُلٌ**» و «**اِفَّعُّلٌ**» چه بوده است؟ و چگونه این دو باب تعلیل شده‌اند؟

۳ـ اسم فاعل را از مصدر «**اَلْاِشّابُهُ**» و «**اَلْاِدّارُک**» صرف نمائید.

۴ـ امر مصدر «**اَلْاِزَّمُّلُ**» و «**اَلْاِذَّکُّرُ**» را صرف نمائید.

۵ـ صیغه‌های زیر را ترجمه نموده، نوع آن را مشخص سازید:

اِجْلَوَّذا، تَخْرَوُّطُ، مُعْلَوِّطَاتٌ، اِدّارَکا، یَشّابَهُوْن، لاتَصّالَحا، یَضَّرَّعُوْن، مُزَّمِّلٌ، یَذَّکَّرُ

۶ـ صیغه شمارهای ۹ - ۴ - ۸ - ۶ - ۱۱ - ۳ - ۱ را از مصدر **اَلْاِجَّنُّبُ** از فعل ماضی نوشته آنها را ترجمه کنید.

درس بیست و چهارم

نوع دیگر ابواب ثلاثی مزیدفیه (۱)

نوع دیگر ابواب مزیدفیه آن است که همزهٔ وصل را نمی‌پذیرد و دارای پنج باب می‌باشد:

باب اوّل: بر وزن «**اِفْعَالٌ**»، مانند «**أَلْاِكْرَامُ**»: گرامی داشتن، تصریفش چنین است:

أَكْرَمَ .... ماضی معلوم

يُكْرِمَ .... مضارع معلوم

اِكْراماً .... مصدر

فهو - مُكْرِمٌ .... اسم فاعل

و - أُكْرِمَ .... ماضی مجهول

يُكْرَمُ .... مضارع مجهول

اِكْرَاماً .... مصدر

فذاک - مُكْرَمٌ .... اسم مفعول

ألامر - أَكْرِمْ .... امر

و النهی - لاتُكْرِمْ .... نهی

و از همین باب است:

أَلْاِسْلَامُ:مسلمان شدن و گردن به طاعت نهادن
أَلْاِذْهَابُ:بردن
أَلْاِعْلَانُ:آشکارکردن، اعلام نمودن
أَلْاِكْمَالُ:تمام‌کردن و تکمیل‌نمودن

تذکّر: همزهٔ امر حاضر این باب وصلی نیست، بلکه همزهٔ قطع است که در مضارع، موقّتاً بنا به عللی حذف شده است، زیرا اصل «**تُكْرِمُ**» «**تُأَكْرِمُ**» بوده است، برای موافقت «**أُكْرِمُ**» که در اصل «**أُأَكْرِمُ**» بوده است، همزهٔ دوّم به واسطهٔ اجتماع همزتین ساقط شد و «**أُأَكْرِمُ**» گردید.

بـــاب دوّم: بـــر وزن «**تَـفْعِيْلٌ**»، مـانند: «**أَلتَّـصْرِيْفُ**»: گـردانـیدن و صرف‌نمودن

تصریفش به شرح زیر می‌باشد:

صَرَّفَ .... ماضی معلوم
يُصَرِّفُ .... مضارع معلوم
تَصْرِيْفاً .... مصدر
فهو - مُصَرِّفٌ .... اسم فاعل
و - صُرِّفَ .... ماضی مجهول
يُصَرَّفُ .... مضارع مجهول
تَصْرِيفاً .... مصدر

فذاک - مُصَرَّفٌ .... اسم مفعول

ألامر - صَرِّفْ .... امر

و النهی - لاَتُصَرِّفْ........................... نهی

و از همین باب است:

أَلتَّكْذِيْبُ وَ الْكِذَّابُ: کسی را دروغگو نمودن و تکذیب‌کردن

أَلتَّقْدِيْمُ: پیش کردن و پیش‌شدن، تقدیم کردن

أَلتَّمْكِيْنُ: جای دادن

أَلتَّعْظِيْمُ: بزرگداشتن

أَلتَّعْجِيْلُ: شتابی‌کردن

پرسش و تمرین

۱ـ ثلاثی مزیدی که همزهٔ وصل را نمی‌پذیرد، چند باب دارد؟
۲ـ باب افعال را از مصدر «اسلام» و «اکمال» صرف نمائید.
۳ـ «**تُكْرِمُ**» در اصل چه بوده است؟ توضیح دهید.
۴ـ مضارع مجهول «التعظیم» و «التعجیل» را صرف نمائید.
۵ـ ده صیغه از باب «اذهاب» و ده صیغه از باب «تمکین» انتخاب نموده، آنها را ترجمه نمائید.
۶ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
مُكْرَمُوْنَ، مُسْلِمَانِ، أَذْهَبْتُمْ، مُعْلِنَةٌ، أَكْمِلِيْ، نُمَكِّنْ، عَجِّلُوْا، لاتُقَدِّمُوْا
۷ـ به عربی ترجمه کنید:
تو یک زن بردی – ما جای دادیم – شما مردان عجله خواهید کرد – آن دو مرد دروغگو شدند – من آشکار می‌کنم

درس بیست و پنجم

نوع دیگر ابواب ثلاثی مزیدفیه (۲)

باب سوّم: بر وزن «**تَفَعُّلٌ**»، مانند: «**أَلتَّقَبُّلُ**»: پذیرفتن و تصریفش چنین است:

تَقَبَّلَ .... ماضی معلوم
يَتَقَبَّلُ........................ مضارع معلوم
تَقَبُّلاً........................ مصدر
فهو - مُتَقَبِّلٌ .... اسم فاعل
و - تُقُبِّلَ........................ ماضی مجهول
يُتَقَبَّلُ .... مضارع مجهول
تَقَبُّلاً .... مصدر
فذاک - مُتَقَبَّلٌ........................ اسم مفعول
ألامر - تَقَبَّلْ........................ امر
و النهی - لاتَتَقَبَّلْ........................نهی

و از همین باب است:

أَلتَّفَكُّهُ: میوه خوردن

أَلتَّلَبُّثُ: درنگ کردن

أَلتَّعَجُّلُ: شتافتن

أَلتَّبَسُّمُ: لبخند زدن (یعنی چنان خندیدن که دندانهاظاهر شوند)

تذکّر:

در باب «**تَفَعُّلٌ**»، «**تَفَاعُلٌ**»، «**تَفَعْلُلٌ**»، هر کجا که در اوّل کلمه، دو «تا» با هم جمع شوند، حذف نمودن یک «تا» جایز است، مانند: **تَـتَصَرَّفُ، تَتَضَارَبُ،تَتَدَحْرَجُ،** که بگوییم: **تصَرَّفُ، تَضَارَبُ، تَدَحْرَجُ.**

باب چهارم: بر وزن «**مُفَاعَلَةٌ**»، مانند: «**أَلْمُقَاتَلَةُ وَ الْقِتَالُ**»: با یکدیگر کارزار کردن، تصریفش چنین است:

قَاتَلَ .... ماضی معلوم

يُقَاتِلُ.. مضارع معلوم

مُقَاتَلَةً وَّ قِتَالاً .... مصدر

فهو – مُقَاتِلٌ.. اسم فاعل

و – قُوْتِلَ .... ماضی مجهول

يُقَاتَلُ .... مضارع مجهول

مُقَاتَلَةً وَ قِتَالاً .... مصدر

فذاک – مُقَاتَلٌ .... اسم مفعول

ألامر – قَاتِلْ .... امر

و النهی – لاَتُقَاتِلْ ....نهی

و از همین باب است:

أَلْمُعَاقَبَةُ وَ اَلْعِقَابُ: یکدیگر را شکنجه و عذاب‌کردن
أَلْمُخَادَعَةُ وَاَلْخِدَاعُ: فریفتن و فریب‌دادن
أَلْمُلَازَمَةُ وَ اَلِّلزَامُ: با هم لازم گرفتن (چسبیدن با کسی یا چیزی)
أَلْمُبَارَكَةُ: تبرک جستن به خداوند متعال یا به کسی یا به چیزی

پرسش و تمرین

۱ـ حذف یک «تا» در چه مواردی جایز است؟
۲ـ اسم مفعول مصدر «**أَلتَّلَبُّثُ**» و ماضی مجهول «**أَلتَّبَسُّمُ**» را صرف نمائید.
۳ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
قُوْتِلاَ، مُقَاتِلَةٌ، عُوْقِبَ، خَادَعَ، لاَزِمِیْ، بَارِكَا.
۴ـ پنج صیغه از مصدر «**المخادعة**» و پنج صیغه از مصدر «**الملازمه**» و پنج صیغه از مصدر «**المبارکه**» انتخاب نموده و آنها را ترجمه کنید.
۵ـ اسم فاعل مصدر «المخادعة» را نوشته ترجمه کنید.
۶ـ صیغه‌های زیر را ترجمه نموده شماره آنها را مشخص سازید:
تَفَكَّهْنَا - تُلُبِّثَا - يَتَلَبَّثْنَ - لُوْزِمْنَ - تُعَاقِبَانِ.

درس بیست و ششم

نوع دیگر ابواب ثلاثی مزیدفیه (۳)

باب پنجم: بر وزن «**تَفَاعُلٌ**»، مانند: «**أَلتَّقَابُلُ**»: با یکدیگر روبرو شدن، تصریفش چنین است:

تَقَابَلَ .... ماضی معلوم

يَتَقَابَلُ .... مضارع معلوم

تَقَابُلاً .... مصدر

فهو – مُتَقَابِلٌ .... اسم فاعل

و – تُقُوْبِلَ .... ماضی مجهول

يُتَقَابَلُ .... مضارع مجهول

تَقَابُلاً .... مصدر

فذاک – مُتَقَابَلٌ .... اسم مفعول

ألامر – تَقَابَلْ .... امر

و النهی – لاَتَتَقَابَلْ .... نهی

و از همین باب است: **أَلتَّخَافُتُ**: با یکدیگر سخن پنهان گفتن

أَلتَّعَارُفُ: یکدیگر را شناختن

أَلتَّفَاخُرُ: بر یکدیگر فخرکردن

تذکّر:

مجموع ابواب ثلاثی مزیدفیه که ملحق به رباعی نیستند چهارده‌باب است (که نه باب آن، از قسم اوّل (دارای همزه وصل) و پنج باب، از قسم دوّم (خالی از همزه) بیان شد، تا اینجا بحث ثلاثی به پایان رسید.)

پرسش و تمرین

۱ـ مجموع ابواب ثلاثی مزیدفیه چند باب‌اند؟

۲ـ صیغه‌های زیر را مشخص نموده، آنها را ترجمه نمائید.

يَتَقَابَلَانِ، يَتَخَافَتُوْنَ، مُتَعَارِفَاتٌ، لاَتَتَفَاخَرُوْنَ، تُقُوْبِلَتَا، مُتَخَافِتَاتٌ

۳ـ ماضی مجهول مصدر «**اَلتَّخَافُتُ**» و مضارع مجهول مصدر «**اَلتَّفَاخُرُ**» را صرف کنید.

درس بیست و هفتم

رباعی و انواع آن (۱)

رباعی بر دو قسم است: یکی مجرد که در آن حرف زایدی نباشد.

دوّم: مزید که دارای حرف زاید باشد.

رباعی مجرد فقط دارای یک باب است که هم به صورت لازم و هم به صورت متعدی به کار می‌رود و آن بر وزن «**فَعْلَلَةٌ**» می‌باشد، مانند: «**اَلْبَعْثَرَةُ**»: برانگیختن، تصریفش چنین است:

بَعْثَرَ .... ماضی معلوم

يُبَعْثِرُ .... مضارع معلوم

بَعْثَرَةً .... مصدر

فهو – مُبَعْثِرٌ .... اسم فاعل

و – بُعْثِرَ .... ماضی مجهول

يُبَعْثَرُ .... مضارع مجهول

بَعْثَرَةً .... مصدر

فذاك – مُبَعْثَرٌ .... اسم مفعول

الامر – بَعْثِرْ .... امر

و النهی – لاَتُبَعْثِرْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلدَّحْرَجَةُ: غلطانیدن و غلطیدن

اَلْعَسْکَرَهُ: لشکرساختن

اَلْقَنْطَرَةُ: پل ساختن

اَلزَّعْفَرَةُ: با زعفران رنگ نمودن

رباعی مزید بر دو قسم است:

یکی آنکه دارای همزهٔ وصل نیست، دوّم: آنکه دارای همزهٔ وصل می‌باشد، آنکه دارای همزهٔ وصل نیست فقط یک باب دارد و لازم است. و بر وزن «**تَفَعْلُلٌ**» (مانند: «**اَلتَّسَرْبُلُ**» پیراهن پوشیدن) می آید. این باب در قرآن مجید نیامده است. و تصریفش چنین است:

تَسَرْبَلَ .... ماضی معلوم

يَتَسَرْبَلُ .... مضارع معلوم

تَسَرْبُلاً .... مصدر

فهو- مُتَسَرْبِلٌ .... اسم فاعل

الامر - تَسَرْبَلْ .... امر

و النهی - لاتَتَسَرْبَلْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلتَّبَرْقُعُ: برقع پوشیدن[1]

۱- برقع، لباس بلند زنانه است که صورت را نیز می‌پوشد.

اَلتَّمَقْهُرُ:مقهور و مغلوب شدن

اَلتَّزَنْدُقُ:زندیق و بی دین شدن

اَلتَّبَخْتُرُ:با ناز خرامیدن و رفتن

پرسش و تمرین

۱ـ رباعی مجرد دارای چند باب است؟

۲ـ آیا رباعی مجرد به صورت متعدّی هم می‌آید؟

۳ـ رباعی مزید که دارای همزهٔ وصل نیست چند باب دارد؟

فعل مضارع معلوم رباعی را از مصدر «**اَلدَّحْرَجَةُ**» و اسم فاعل را از «**اَلْقَنْطَرَةُ**» صرف نمائید.

۵ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص نمائید.

يَتَبَرْقَعَانِ، لاٰتَزَنْدَقْ، مُتَسَرْبِلَةٌ، تَبَخْتَرَا، يُعَسْكِرْنَ، تَبَرْقَعِيْ

۶ـ صیغه‌های زیر را ترجمه نموده شماره‌های آنها را مشخص کنید:

مُتَزَنْدِقَةٌ - زَعْفَراَ - يَتَبَخْتَرْنَ - لاٰتَتَمَقْهَرَا - مُتَبَرْقِعَاتٌ - يُقَنْطِرُوْنَ

درس بیست و هشتم

رباعی و انواع آن (۲)

نوعی دیگر از رباعی مزید آن است که دارای همزهٔ وصل است و آن دو باب دارد که هر دو باب لازم‌اند:

باب اوّل: بر وزن «**اِفْعِنْلَالٌ**»، مانند: «**اَلْاِبْرِنْشَاقُ**»: شادشدن، تصریف آن به شرح زیر می‌باشد:

اِبْرَنْشَقَ .... ماضی معلوم
یَبْرَنْشِقُ .... مضارع معلوم
اِبْرِنْشَاقاً .... مصدر
فهو – مُبْرَنْشِقٌ .... اسم فاعل
الامر – اِبْرَنْشِقْ .... امر
والنهی – لَاتَبْرَنْشَقْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلْاِخْرِنْجَامُ: جمع شدن
اَلْاِبْلِنْدَاحُ: گشادشدن و فراخ شدن جایگاه
اَلْاسْلِنْطَاحُ: بر قفا و پشت خوابیدن

اَلْاِعْرِنْكَاسُ: سیاه‌شدن موی

تذکّر:

این باب در قرآن مجید وارد نشده است.

باب دوّم: بر وزن «**اِفْعِلّالٌ**»، مانند: «**اَلْاِقْشِعْرَارُ**»: موی برتن خاستن، تصریفش چنین است:

اِقْشَعَرَّ .... ماضی معلوم

يَقْشَعِرُّ .... مضارع معلوم

اِقْشِعْرَاراً .... مصدر

فهو - مُقْشَعِرٌّ .... اسم فاعل

الامر - اِقْشَعِرَّ، اِقْشَعِرِّ، اِقْشَعْرِرْ .... امر

والنهى - لاَتَقْشَعِرَّ، لاَتَقْشَعِرِّ، لاَتَقْشَعِرِرْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلْاِقْمِطْرَارُ: شدیداً ناراضی و ناخشنود بودن

اَلْاِشْمِخْرَارُ: بلندشدن

اَلْاِشْفِتْرَارُ: پراکنده‌شدن

اَلْاِزْمِهْرَارُ: سرخ‌شدن چشم

اَلْاِسْمِهْرَارُ: سخت شدن خار

تذکّر: این باب در قرآن مجید آمده است، **کَمَا قَالَ اللّٰه تَبَارَکَ وَ تَعَالیٰ:تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُوْدُ الَّذِیْنَ یَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ.** (قرآن کریم)

پرسش و تمرین

۱ـ رباعی مزیدی که همزهٔ وصل را می‌پذیرد، چند باب دارد؟

۲ـ بابهای «**اِفْعِنْلَال**» و «**اِفْعِلَّال**» لازم‌اند یا متعدی؟

۳ـ ماضی معروف مصدر «**اَلْاِعْرِنْکَاسُ**» را صرف نمائید.

۴ـ اسم فاعل مصدرهای «**اَلْاِشْفِتْرَارُ**» و «**اَلْاِزْمِهْرَارُ**» را صرف نمائید.

۵ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص نموده، آنها را ترجمه نمائید.

تَبْرَنْشِقَانِ، مُبْلَنْدِحُوْن، اِقْشَعْرِرْ، یَشْفَتِرُّوْنَ، اِحْرَنْجَمَتَا، مُشْمَخِرَّةٌ.

۶ـ مضارع «**اَلْاِقْمِطْرَارَ**» و ماضی «**اَلْاِسْلِنْطَاح**» را با ترجمه آن بنویسید.

درس بیست و نهم

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مجرد (۱)

ثلاثی مزید بر دو گونه است: یکی آنکه ملحق به رباعی مجرد است.
دوّم: آنکه ملحق به رباعی مزیدفیه است.
ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی مجرد است آنرا هفت باب است:

باب اوّل: بر وزن «**فَعَلَلَةٌ**»، مانند: «**اَلْجَلْبَبَةُ**»: چادر پوشیدن، که تصریفش چنین است:

جَلْبَبَ .... ماضی معلوم
يُجَلْبِبُ .... مضارع معلوم
جَلْبَبَةً .... مصدر
فهو - مُجَلْبِبٌ .... اسم فاعل
و - جُلْبِبَ .... ماضی مجهول
يُجَلْبَبُ .... مضارع مجهول
جَلْبَبَةً .... مصدر
فذاک - مُجَلْبَبٌ .... اسم مفعول
الامر - جَلْبِبْ .... امر

والنهی - لاَتُجَلْبِبْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلشَّمْلَلَةُ: شتافتن

تذکّر: این باب نیز در قرآن وارد شده است.

باب دوّم: بر وزن «**فَعْنَلَةٌ**»، (بازیادتی «نون» میان عین و لام) مانند: «**اَلْقَلْنَسَةُ**»: کلاه پوشیدن، تصریفش چنین است.

قَلْنَسَ .... ماضی معلوم

يُقَلْنِسُ .... مضارع معلوم

قَلْنَسَةً .... مصدر

فهو - مُقَلْنِسٌ .... اسم فاعل

و - قُلْنِسَ .... ماضی مجهول

يُقَلْنَسُ .... مضارع مجهول

قَلْنَسَةً .... مصدر

فذاک - مُقَلْنَسٌ .... اسم مفعول

الامر - قَلْنِسْ .... امر

والنهی - لاَتُقَلْنِسْ .... نهی

باب سوّم: بر وزن «**فَعْوَلَةٌ**»، (بازیادتی «واو» میان عین و لام) مانند:

«اَلسَّرْوَلَةُ»: شلوار پوشیدن، تصریفش به شرح زیر است:

سَرْوَلَ.................... ماضی معلوم

يُسَرْوِلُ.................... مضارع معلوم

سَرْوَلَةً.................... مصدر

فهو – مُسَرْوِلٌ.................... اسم فاعل

و – سُرْوِلَ.................... ماضی مجهول

يُسَرْوَلُ.................... مضارع مجهول

سَرْوَلَةً.................... مصدر

فذاک – مُسَرْوِلٌ.................... اسم مفعول

ألامر – سَرْوِلْ.................... امر

والنهى – لاَتُسَرْوِلْ.................... نهی

و از همین باب است:

اَلْجَهْوَرَةُ:صدابلند کردن

باب چهارم: بر وزن **«فَوْعَلَةٌ»**، (با زیادتی «واو» میان فاء و عین) مانند:

«اَلْجَوْرَبَةُ»: جوراب پوشیدن و تصریفش به شرح ذیل است:

جَوْرَبَ.................... ماضی معلوم

يُجَوْرِبُ.................... مضارع معلوم

جَوْرَبَةً.................... مصدر

فهو – مُجَوْرِبٌ.................... اسم فاعل

و - جُوْرِبَ .... ماضی مجهول

يُجَوْرَبُ .... مضارع مجهول

جَوْرَبَةً .... مصدر

فذاک - مُجَوْرِبٌ .... اسم مفعول

الامر - جَوْرِبْ .... امر

والنهی - لاَتُجَوْرِبْ .... نهی

و از همین باب است: **اَلْحَوْقَلَةُ**: خیلی پیرشدن

تذکّر ۱:

بابهای دوّم، سوّم و چهارم نیز در قرآن وارد نشده‌اند.

تذکّر ۲:

الحاق در لغت به معنای پیوستن می‌آید و در اصطلاح اهل صرف آن است که در کلمه، حرفی اضافه کنند تا آن کلمه بر وزن کلمهٔ دیگر درآید برای اینکه همان حکمی که ملحق بهٖ دارد، ملحق نیز پیدا کند. و شرط الحاق آن است که مصدر ملحق با مصدر ملحق‌بهٖ، موافق باشد نه مخالف.

پرسش و تمرین

۱ـ ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی مجرد است، چند باب دارد؟
۲ـ مضارع مجهول مصدر «**اَلْجَهْوَرَةُ**» را نوشته، ترجمه نمائید.
۳ـ اسم مفعول مصدر «**اَلشَّمْلَلَةُ**» را صرف نمائید.
۴ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
جَلْبَبْنَ، یُقَلْنِسْنَ، مُسَرْوِلَةٌ، حُوْقِلْنَا، یُجَوْرِبَانِ.

درس سی‌ام

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مجرد (۲)

باب پنجم: بر وزن «**فَيْعَلَةٌ**»، (با زيادتی «يا» ميان فا و عين) مانند: «**اَلْخَيْعَلَةُ**»: پيراهن بی آستين پوشيدن، تصريفش چنين است:

خَيْعَلَ .... ماضی معلوم

يُخَيْعِلُ .... مضارع معلوم

خَيْعَلَةً .... مصدر

فهو – مُخَيْعِلٌ .... اسم فاعل

و – خُوْعِلَ .... ماضی مجهول

يُخَيْعَلُ .... مضارع مجهول

خَيْعَلَةً .... مصدر

فذاک – مُخَيْعَلٌ .... اسم مفعول

الامر – خَيْعِلْ .... امر

والنهی – لاتُخَيْعِلْ .... نهی

و از همين باب است:

اَلْهَيْعَمَةُ: گواه‌شدن

اَلصَّيْطَرَةُ: برگماشته‌شدن

و در قرآن مجيد آمده است، مانند: **لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ.**

تذکّر:

«**خُوْعِلَ**» در اصل «**خُيْعِلَ**» بود، ماقبل «یا» مضموم بود، «یا» را به واو بدل کردند، **خُوْعِلَ** شد.

باب ششم: بر وزن «**فَعْيَلَةٌ**» (با زیادتی «یا» میان عین و لام) مانند: «**اَلشَّرْيَفَةُ**»: برگهای درخت را بریدن، و تصریفش به شرح زیر است:

شَرْيَفَ .... ماضی معلوم

يُشَرْيِفُ .... مضارع معلوم

شَرْيَفَةً .... مصدر

فهو - مُشَرْيِفٌ .... اسم فاعل

و - شُرْيِفَ .... ماضی مجهول

يُشَرْيَفُ .... مضارع مجهول

شَرْيَفَةً .... مصدر

فذاک - مُشَرْيَفٌ .... اسم مفعول

الامر - شَرْيِفْ .... امر

والنهی - لاَتُشَرْيِفْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلْجَزْيَلَةُ:زراندوختن

باب هفتم: بر وزن «**فَعْلاَةٌ**»، (با زیادتی الف مبدله از یا بعد از لام)

مانند: «**اَلْقَلْسَاةُ**»: کلاه پوشیدن، که اصل آن «**قَلْسَيَةٌ**» بود، «یا» متحرک، ماقبل آن مفتوح، آن را به الف بدل کردند، **قَلْسَاةٌ** شد. تصریفش چنین است:

قَلْسیٰ .... ماضی معلوم

يُقَلْسِیْ .... مضارع معلوم

قَلْسَاةً .... مصدر

فهو - مُقَلْسٍ .... اسم فاعل

و - قُلْسِیَ .... ماضی مجهول

يُقَلْسیٰ .... مضارع مجهول

قَلْسَاةً .... مصدر

فذاک - مُقَلْسیً .... اسم مفعول

الامر - قَلْسِ .... امر

و النهی - لاَتُقَلْسِ .... نهی

و از همین باب است: **اَلْجَعْبَاةُ**: افکندن

تذکّر:

«**يُقَلْسِیْ**» در اصل خود «**يُقَلْسِيُ**» بود، ضمه بر یا دشوار بود، یا را ساکن کردند، **يُقَلْسِیْ** شد.

«**مُقَلْسٍ**» در اصل خود «**مُقَلْسِيٌ**» بود، ضمه بر یا دشوار بود، یا را ساکن کردند، آنگاه میان یا و تنوین، التقای ساکنین شد، یا افتاد، «**مُقَلْسٍ**» گردید. «**قُلْسِیَ**» بر اصل خود باقی است، تغییر نکرده است.

«**يُقَلْسىٰ**»در اصل خود «**يُقَلْسَيُ**» بود، يا متحرک، ماقبل آن مفتوح، يا به الف تبديل گشت، **يُقَلْسىٰ** شد.

«**مُقَلْسًّ**» در اصل خود «**مُقَلْسَيٌ**» بود، يا را بواسطۀ فتحه ماقبل آن، به الف تبديل كردند، آنگاه ميان الف و تنوين، التقای ساكنين شد، الف افتاد، «**مُقَلْسىً**» شد.

«**قَلْسِ**» در اصل خود «**قَلْسِيْ**» بود، يا به علّت مجزوم بودن افتاد، **قَلْسِ** شد.

«**لاَتُقَلْسِ**» در اصل خود «**لاَتُقَلْسِيْ**»بود، يا به علّت مجزوم بودن افتاد، «**لاَتُقَلْسِ**» شد.

تذكر:

بابهای ششم و هفتم نيز در قرآن وارد نشده‌اند.

پرسش و تمرین

۱ـ «**خُوْعِلَ**» در اصل چه بوده است؟ تعلیل نمائید.

۲ـ «**قَلْسَاةٌ**» در اصل چه بوده است؟ تعلیل کنید.

۳ـ «**يُقَلْسِيْ**» و «**مُقَلْسٍ**» در اصل خویش چه بوده‌اند.

۴ـ «**مُقَلْسىً**» و «**قَلْسِ**» در اصل چه بوده‌اند؟ و چگونه به این صیغه‌ها تبدیل شده‌اند؟

۵ـ ماضی مجهول «**اَلصَّيْطَرَةُ**» را صرف نمائید.

۶ـ اسم مفعول «**اَلْجَزْيَلَةُ**» را صرف نموده، ترجمه نمائید.

۷ـ مضارع معلوم مصدر «**اَلْقَلْساةُ**» را صرف کنید.

۸ـ صیغه‌های زیر را مشخص نموده ترجمه کنید:

تُقَلْسَيَانِ - شَرْيَفِيْ - مُجَعْبِيَاتٌ - جَعْبِ - مُجَزْعِلٌ.

درس سی و یکم

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید **(۱)**

ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی مزید است، بر دو گونه است: یکی آنکه ملحق به «**تَدَحْرَجَ**» باشد. دوّم: آنکه ملحق به «**اِحْرَنْجَمَ**» است. آنکه ملحق به «**تَدَحْرَجَ**» باشد آن را هشت باب است:

باب اوّل: بر وزن «**تَفَعْلُلٌ**»، (با زیادت «تا» قبل از «فا» و تکرار لام)

مانند: «**اَلتَّجَلْبُبُ**»: چادر پوشیدن، تصریفش چنین است:

تَجَلْبَبَ .... ماضی معلوم

يَتَجَلْبَبُ .... مضارع معلوم

تَجَلْبُباً .... مصدر

فهو - مُتَجَلْبِبٌ .... اسم فاعل

الامر - تَجَلْبَبْ .... امر

والنهی - لاتَتَجَلْبَبْ .... نهی

و از همین باب است: **اَلتَّغَبْرُرُ**: غبارآلود شدن

باب دوّم: بر وزن «**تَفَعْنُلٌ**»، (با زیادتی «تا» قبل از «فا» و «نون» میان

عین و لام) مانند: «اَلتَّقَلْنُسُ»: کلاه پوشیدن، که تصریفش چنین است:

تَقَلْنَسَ .... ماضی معلوم

يَتَقَلْنَسُ .... مضارع معلوم

تَقَلْنُساً .... مصدر

فهو - مُتَقَلْنِسٌ .... اسم فاعل

الامر - تَقَلْنَسْ .... امر

والنهی - لاتَتَقَلْنَسْ .... نهی

باب سوّم: بر وزن «**تَمَفْعُلٌ**»، (با زیادتی «تا» و «میم» قبل از فا) مانند: **اَلتَّمَسْكُنُ**: مسکین شدن، تصریفش به شرح زیر است:

تَمَسْكَنَ .... ماضی معلوم

يَتَمَسْكَنُ .... مضارع معلوم

تَمَسْكُناً .... مصدر

فهو - مُتَمَسْكِنٌ .... اسم فاعل

الامر - تَمَسْكَنْ .... امر

والنهی ـ لاتَتَمَسْكَنْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلتَّمَنْدُلُ: مسح کردن دست با مندیل و حوله، **يُقَالُ: تَمَنْدَلَ الرَّجُلُ اِذاَ مَسَحَ بِالْمِنْدِيْلِ يَدَهُ.**[1]

۱- باید دانست که این باب شاذ و بلکه غلط است، زیرا که میم آن طبق کلام فصحاء از حروف اصلی به شمار نمی‌آید.

باب چهارم: بروزن «**تَفَعْلُةٌ**»، (با زیادت «تا» قبل از «فا» و بعد از لام) مانند:

«**اَلتَّعَفْرُتُ**»: عفریت‌شدن، **یُقَالُ: تَعَفْرَتَ الرَّجُلُ اِذا صَارَ عِفْرِیتاً اَیْ خَبِیثاً**، تصریفش چنین است:

تَعَفْرَتَ .... ماضی معلوم

یَتَعَفْرَتُ .... مضارع معلوم

تَعَفْرُتاً .... مصدر

فهو - مُتَعَفْرِتٌ .... اسم فاعل

الامر - تَعَفْرَتْ .... امر

والنهی - لاتَتَعَفْرَتْ .... نهی

پرسش و تمرین

۱ـ ثلاثی مزیدی که ملحق به «**اِحْرَنْجَمَ**» است، چند باب دارد؟

۲ـ اسم فاعل مصدر «**اَلتَّغَبْرُرُ**» را صرف نمائید.

۳ـ امر مصدر «**اَلتَّقَلْنُسُ**» را صرف کنید.

۴ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص نموده، آنها را ترجمه نمائید:

تَمَسْکَنّا، مُتَمَنْدِلَةٌ، تَعَفْرَتَا، تَجَلْبَبْنَ، تَقَلْنَسِیْ، تَعَفْرَتِیْ

۵ـ ماضی معلوم «**التعفرت**» و مضارع «**التغبرر**» را صرف نموده ترجمه کنید.

درس سی و دوّم

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید (۲)

باب پنجم: بر وزن «**تَفَوْعُلٌ**»، (بازیادتی «تا» قبل از «فا» و «واو» میان فا و عین) مانند: «**اَلتَّجَوْرُبُ**»: جوراب پوشیدن، تصریفش به شرح زیر می‌باشد:

تَجَوْرَبَ .... ماضی معلوم

يَتَجَوْرَبُ .... مضارع معلوم

تَجَوْرُباً .... مصدر

فهو - مُتَجَوْرِبٌ .... اسم فاعل

الامر - تَجَوْرَبْ .... امر

والنهی - لاَتَتَجَوْرَبْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلتَّكَوْثُرُ:بسیار شدن

باب ششم: بر وزن «**تَفَعْوُلٌ**»، (با زیادت «تا» قبل از «فا» و «واو» میان عین و لام) مانند: «**اَلتَّسَرْوُلُ**»: شلوار پوشیدن، تصریفش چنین است:

تَسَرْوَلَ .... ماضی معلوم

یَتَسَرْوَلُ .... مضارع معلوم
تَسَرْوُلاً .... مصدر
فهو - مُتَسَرْوِلٌ .... اسم فاعل
الامر - تَسَرْوَلْ .... امر
والنهی ـ لاتَتَسَرْوَلْ .... نهی

و از همین باب است: **اَلتَّدَهْوُرُ:** گذشتن و سپری‌شدن شب.

باب هفتم: بر وزن «**تَفَیْعُلٌ**»، (با زیادتی «تا» قبل از «فا» و «یا» میان فا و عین) مانند: «**اَلتَّخَیْعُلُ**»: پیراهن بی آستین پوشیدن، تصریفش به شرح زیر است:

تَخَیْعَلَ .... ماضی معلوم
یَتَخَیْعَلُ .... مضارع معلوم
تَخَیْعُلاً .... مصدر
فهو - مُتَخَیْعِلٌ .... اسم فاعل
الامر - تَخَیْعَلْ .... امر
والنهی ـ لاتَتَخَیْعَلْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلتَّعَیْهُرُ: بی سر و سامان شدن

اَلتَّشَیْطُنُ: نافرمان شدن و نافرمانی کردن

باب هشتم: بر وزن «**تَفَعْلٍ**»، (با زیادت «تا» قبل از «فا» و «یا» بعد از لام) که در اصل «**تَفَعْلُیٌ**» بوده، ضمهٔ لام را به کسره بدل کردند از جهت موافقت با «یا»، آنگاه ضمّه بر «یا» دشوار شد، «یا» را ساکن کردند، سپس التقاء ساکنین شد میان یا و تنوین، «یا» افتاد، **تَفَعْلٍ** شد، مانند: «**اَلتَّقَلْسِیْ**»: کلاه پوشیدن، تصریفش به شرح زیر است:

تَقَلْسیٰ .... ماضی معلوم

یَتَقَلْسیٰ .... مضارع معلوم

تَقَلْسِیاً .... مصدر

فهو – مُتَقَلْسٍ .... اسم فاعل

الامر – تَقَلْسَّ .... امر

والنهی – لاتَتَقَلْسِ .... نهی

تذکّر:

اضافه‌شدن «تا» در اوّل این ابواب، به خاطر الحاق نیست، بلکه برای رساندن معنی مطاوعت و فرمانبرداری و اثرپذیری است، چنانکه در «**تَدَحْرَجَ**» بود، زیرا که الحاق به صورت اضافه نمودن حروف در اوّل کلمه، ثابت نیست.

پرسش و تمرین

۱ـ «تَقَلْسٍ» در اصل چه بوده است؟

۲ـ تائیکه در اوّل ابواب مذکوره اضافه می‌شود، برای چه هدفی است؟

۳ـ فعل نهی مصدر «اَلتَّجَوْرُبُ» را صرف نمائید.

۴ـ مضارع معلوم مصدر «اَلتَّدَهْوُرُ» را صرف کنید.

۵ـ پنج صیغه از مصدر «اَلتَّقَلْسِیْ» و پنج صیغه از مصدر «اَلتَّشَیْطُنُ» نوشته، آنها را ترجمه نمائید.

۶ـ صیغه‌های زیر را مشخص نموده ترجمه نمائید.

تَدَهْوَرُوْا - تَشَیْطَنِیْ - مُتَخَیْعِلاَتٌ - تَسَرْوَلْنَا - تَتَجَوْرَبُ - لاتَتَشَیْطَنْ.

درس سی و سوّم

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید **(۳)**

ثلاثی مزیدی که ملحق به «**اِحْرَنْجَمَ**» بود، دارای دو باب است و هر دو باب در قرآن مجید نیامده است:

باب اوّل: بر وزن «**اِفْعِنْلَالٌ**»، (بازیادتی همزهٔ وصل قبل از «فا» و «نون» بعد از عین و تکرار لام) مانند: «**اَلْاِقْعِنْسَاسُ**»: برگشتن با تندی و سخت مرتجع شدن، و تصریفش به شرح زیر است:

اِقْعَنْسَسَ .... ماضی معلوم

يَقْعَنْسِسُ .... مضارع معلوم

اِقْعِنْسَاساً .... مصدر

فهو - مُقْعَنْسِسٌ .... اسم فاعل

الامر - اِقْعَنْسِسْ .... امر

والنهی - لَاتَقْعَنْسِسْ .... نهی

و از همین باب است: **اَلْاِعْرِنْكَاكُ**: سیاه شدن موی

باب دوّم: بر وزن «**اِفْعِنْلَاءٌ**»، (با زیادت همزهٔ وصل قبل از «فا» و

«نون» میان عین و لام و «یا» بعد از لام) مانند: **«اَلْاِسْلِنْقَاءُ»**: بر پشت خوابیدن، تصریفش چنین است:

اِسْلَنْقیٰ .... ماضی معلوم

یَسْلَنْقِیْ .... مضارع معلوم

اِسْلِنْقَاءً .... مصدر

فهو – مُسْلَنْقٍ .... اسم فاعل

الامر – اِسْلَنْقِ .... امر

و النهی – لاٰتَسْلَنْقِ .... نهی

و از همین باب است: **اَلْاِسْرِنْدَاءُ**: غلبه کردن خواب بر انسان

تذکّر: «**اِسْلِنْقَاءٌ**» در اصل خود «**اِسْلِنْقَایٌ**» بوده است، یا بعد از الف ساقط شد، سپس همزه به آن اضافه کردند، «**اِسْلِنْقَاءٌ**» گردید.

پرسش و تمرین

۱ـ ثلاثی مزیدی که ملحق به «**اِحْرَنْجَمَ**» است، چند باب دارد؟ نام ببرید.

۲ـ «**اِسْلِنْقَاءٌ**» در اصل خویش چه بوده است؟ و چه تغییری آمده است؟ توضیح دهید.

۳ـ فعل مضارع و اسم فاعل مصدر «**اِقْعِنْسَاسٌ**» را صرف نمائید.

۴ـ فعل ماضی مصدر «**اَلْاِغْرِنْكَاكُ**» و مضارع مصدر «**اَلْاِسْرِنْدَاءُ**» را صرف کنید.

۵ـ صیغه‌های زیر را از مصدرهای «**اقعنساس**» و «**اسرنداء**» بنویسید و ترجمه کنید.

جمع مؤنث غایب - واحد متكلّم - تثنیه مخاطب مذکر - از ماضی

جمع مذکر مخاطب - تثنیه مؤنث غایب - جمع متكلّم - از مضارع

منشعب منظوم

بــعد حــمد خــدا و نــعت رســول
گــوش کــن از مــن ظــلوم و جــهول
فــعل از آن رو کــه از حــروف اصــول
شـــد مــرکب دو نــوع شــد مــنقول
مـــوخرش مـــی‌کنم بــه نــظم بــیان
یک ثـــــلاثی، دگـــر ربـــاعی دان
هــر یکــی زیــن دو قســم را ای یــار
چـــون مـــجرد، مـــزیدفیه شــمار
پس ثـــلاثی مـــجرد است دو قســم
مـــطرد، شـــاذ دان تــو آن را اســم
مـــطرد شـــد بــه پــنج[۵] بــاب عــلم
نصر[۱] و ضرب[۲] و سمع[۳] و فتح[۴] و کرم[۵]
شـــاذ را نــیست زائــد از ســه بــاب
حسب[۱] و فضل[۲] است کاد[۳] هم دریــاب
غـــــیر مـــلحق تـــو اولاً بـــنگر
هـــمزهٔ وصـــل آیـــدش بــر ســر

یـا نـیاید تـو بـعد از ایـن دریـاب
کـان درآیـد از و بـود نـه[9] بـاب
اجـتناب[1] است و دیگـر اسـتنصار[2]
انـفطار،[3] احـمرار،[4] احـمیرار[5]
بـاز اخشـوشن[6] است و افـعوّال[7]
هشـتم اثّـاقل[8] ای جـوان در حـال
نـهم اطّـهّر[9] آمـد آن بـی فـصل
و انکـه نـاید بـر و زهـمزهٔ وصـل
پـنج[5] بـاب است: اوّلیـن اکـرام
بـاز تکـریم،[2] پس تـقبّل[3] نـام
چـهارمین را مـقاتله[4] بشـمار
پـنجمین شـد: تـقابل،[5] از بـردار
پس ربـاعی مـجرد از زائـد
غـیر یک بـاب «بَـعْثَرَ» نـاید
بـر دو گـونه مـزیدفیه بـدان
یک مـع حـرف وصـل و یک بی آن
لیک آن قسـم اوّلیـن ایـن یـار
بـاب احـرنجم است و اقشـعرار
دومـین قسـم را تـو ای دلبـر
غـیر بـاب تـدحرج مشـمر

پس ثلاثی فیه که او
با رباعی است ملحق، از وی گو
چون رباعی مجرد است و مزید
ملحقش نیز بر دو گونه گزید
آنکه ملحق از آن مجرد راست
هست بر هفت[7] باب بی کم و کاست
جَلْبَبَ،[1] قَلْنَسَ[2] تو جَوْرَبَ[3] دان
سروله،[4] خیعله،[5] و شریف[6] دان
هفتمین زان همه بود قَلْسَاة[7]
ملحقات مزید گویم بات
آنکه ملحق تدحرج بگشت
جمله ابواب آن بیاید: هشت[8]
التجلبب،[1] دگر تقلنس[2] خوان
پس تمسکن،[3] دگر تعفرت[4] دان
پس تجورب[5] هم از تسرول[6] گو
پس تخیعل،[7] تقلنس[8] ای خوشخوی
وان که ملحق بود به احرنجام
بر دو بابش کنیم ختم کلام
بعد خوض تمام و استقراء
آمد اقعنسس و اسلنقاء

بــــهر تــيسير حــفظ و ضــبط تــمام
کـــــردمش نــــظم بــا دعــا و ســلام

تمت بالخیر

و آخر کلمتنا ان الحمد لله رب العالمین.

در مورخ ۲۶ اسفند ۱۳۶۸ هـ ش، مطابق با ۱۹ شعبان ۱۴۱۰ هـ ق، شب شنبه بعد از نماز مغرب، کار ترتیب این کتاب به اختتام رسید، از خوانندگان و طلاب محترم و استفاده کنندگان التماس دعای خیر را دارم.

(و الله الموفق)

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی
دارالعلوم زاهدان
۱۳۶۸/۱۲/۲۶ هـ ش
۱۴۱۰/۸/۱۹ هـ ق
تصحیح و بازنگری: شهریور ۱۳۷۶ هـ ش - مشهد - زندان وکیل آباد





دفتر مرکزی و نمایشگاه دائمی:
زاهدان خیابان مصطفی خمینی
تلفکس: ۰۵۴۱ - ۳۲۲۲۶۰۸
مرکز پخش:
زاهدان خ خیام جنب مسجد مکی
تلفن: ۰۵۴۱ - ۲۴۱۸۸۳۸